ویرایش دوم

دوره معامله گری پرایس اکشن

استراتژی ها و مفاهیمِ
رسیدن به ثروت در بازارهای مالی



نایل فولر

نشریه الکترونیکی فارکس یار

خدایا شروع سخن نام توست   وجودم به هر لحظه آرام توست

دل از نام و یادت بگیرد قرار   خوشم چونکه باشی مرا در کنار

حضور تورا در دلم دیده ام   مداوم تو را هم پرستیده ام

ولی از صفاتت چه گویم سخن؟   که بی شک نگُنجی در افکار من

سخن از تو گفتن یقین مشکل است   اگر چه جمالت به جان و دل است

بزرگی فقط در تو معنا شود   وجود از نگاه تو معنا شود

حق انتشار محصولات فارکس یار

شناسنامه کتاب	
عنوان	دوره معامله گری پرایس اکشن
مولف	*Nial fuller*
مترجم	میلاد تاج دینی
ویراستار	محمد حقیقت
صفحه آرایی	فارکس یار
طرح جلد	سینا حقیقت
سال انتشار	۱۳۹۸
سال انتشار اورجینال	***
فروشنده	فارکس یار
نوبت ویرایش	دوم - ۱۲ تیرماه ۱۳۹۹
قیمت	۳۸۵۰۰ تومان

دوره معامله گری پرایس اکشن

استراتژی ها و مفاهیم رسیدن به ثروت در بازارهای مالی

فارکس یار | ناشر تخصصی بازارهای مالی

تبلیغات در کتابهای فارکس یار



صفحه اختصاصی تبلیغات کارگزاران و فعالین بازارهای مالی.
این صفحه قبل از فهرست مطالب کتاب می باشد.
با تبلیغات در این بخش تا زمانی که کتاب فارکس‌یار در دست معامله‌گران علاقه‌مند به کسب دانش بازارهای مالی است، دیده شوید.

جهت مشاهده تعرفه‌های تبلیغات در این صفحه و سایر صفحات کتاب به سایت فارکس‌یار مراجعه فرمایید.

فهرست مطالب

کمترین چیزی که دریافت می کنید

- یادگیری ۳ نوع ستاپ معاملاتی رفتار قیمت.
- پیدا کردن آسان ورودی‌های معاملاتی در چارت روزانه.
- پیدا کردن یک ستاپ معاملاتی رفتار قیمت، گذاشتن سفارش ورودی، گذاشتن سفارش حدضرر و حدسود.
- بینشی از ذهن من و معامله‌گران به دست می‌آورید.
- پیدا کردن یک ستاپ معاملاتی رفتار قیمت و دانستن اینکه چطور آن را معامله کنید.
- معامله‌گری بدون احساس.
- پشتیبانی مداوم از طریق ویدئو. (دسترسی به این قسمت با توجه به اینکه این کتاب ترجمه شده است و قراردادی بین فارکس یار و شرکت نایل فولر بسته نشده، امکان‌پذیر نیست)

رئوس مطالب – چیزی که یاد خواهید گرفت

- مفهوم معامله گری برای کسب سود ...
- اعمال ریسک / پاداش با حاشیه‌ی برنده
- چه چیزی باعث ورود خوب می‌شود؟
- تنظیمات رفتار قیمت - جای پای پول.
- ۳ ستاپ معاملاتی که سود ثابت می‌سازند.
- ساختار بازار و الگوهای تکراری.
- ردیابی روندهای بازار و یافتن سطوح کلیدی.

- دنبال کردن مسیری که کمترین مقاومت را دارد.
- بهترین روش ورود رفتار قیمت.
- عادات ذهنی معامله‌گران برنده.
- جمع بندی برای پیروزی.

مقدمه

معامله گر عزیز:

از اینکه تصمیم گرفتید در آینده معاملاتیتان سرمایه‌گذاری کنید به شما تبریک می‌گویم. در این درس یاد می‌گیرید که معامله‌گران حرفه‌ای برای دهه‌ها چه کاری انجام داده‌اند و آن چیزی نیست جز «معامله‌گری رفتار قیمت[۱]».

شما در حال یادگیری هنر خواندن نمودار[۲] و آنالیز رفتار قیمت هستید. یاد می‌گیرید چطور فکر کنید، چطور و چه موقع عمل کنید. شما با معامله‌گری شب و روز خود را سپری خواهید کرد. با یک هدف در ذهن و آن «برنده شدن» است.

قرار نیست هیچ گونه بازگشت مالی به شما وعده داده شود، برخی از شما شکست خواهید خورد، برخی از شما بعد از یادگیری این مطالب به معامله‌گری حرفه‌ای تبدیل خواهید شد. تنها امید من این است که شما باور کنید آنچه در اینجا می‌خوانید، تجربیات شخصی من است، این روشی است که من با آن معامله می‌کنم، و در بازارها پول به دست می‌آورم. شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید که همه چیز را در اینجا یاد بگیرید، اما ابزارهای آن تهیه شده‌اند.

این دوره شاهدی بر موفقیت خودم است، و من بسیار مفتخرم که این دانشی که در دهه گذشته به دست آورده‌ام، را با شما به اشتراک بگذارم. امیدوارم این

---

۱ رفتار قیمت = پرایس‌اکشن. در این کتاب بجای واژه پرایس اکشن از معادل فارسی آن یعنی رفتار قیمت استفاده می‌شود.

۲ در این خصوص یک کتاب ویژه در سایت فارکس یار البته از نویسنده: لارنس چان در سایت فارکس یار موجود می باشد

حقیقت را درک کرده باشید که هیچ دو سبک معاملاتی شبیه هم نیست، و همچنین معامله‌گران منحصربه فرد نیستند، بنابراین همه شما از افکار و فعالیت های من با آنالیز بازار لذت نخواهید برد.

به جمع کسانی که این مطالب را مطالعه و آن را در معاملات فارکس خود بکار بستند، بپیوندید و سود ببرید.

نایل فولر

www.learntotradethemarket.com

معامله گری با شرایط بر وفق مراد شما

شتاب حرکت[۳] بازار و رفتار قیمت یک حاشیه‌ی[٤] تعریف‌پذیر برای معامله‌گران حرفه‌ای است. یک ضرب المثل قدیمی وجود دارد که می‌گوید "معامله‌گران حرفه‌ای نیمی از حرکت‌های بزرگ را در بازار از دست می‌دهند"، و من با بی‌میلی با این موضوع موافقم.

من بعد از ۶ سال تجربه‌ی معامله‌گری در بازار به این نتیجه رسیده‌ام که اگر چه سیگنال‌های رفتار قیمت و روندها همواره در حال رخ دادن هستند، اما اغلب مخالف یکدیگر می‌باشند،

یک سیستم معاملاتی سودآور تنها توسط ۱ معامله با شرایط خاص تعریف نمی-شود. در حالت ایده آل، حداقل باید ۲ یا ۳پارامتر و یا بیشتر را با یکدیگر ترکیب کنیم، زیرا فقط با استفاده از "تلاقی سیگنالها" می توان به راحتی یک سیستم معاملاتی سودآور را تعریف کرد.

قبلا هم گفتم و اکنون هم می گویم که همیشه مقدار مساوی از سیگنالهای رفتار قیمت در مناطق تصادفی چارت و هم تراز با روندها یا سطوح افقی رخ خواهند داد.

من به دفعات متوجه شدم که اغلب معاملات سود آور من، زمانی که سیگنالهای رفتار قیمت در روندهای بسیار واضح یا در مناطق کلیدی در بازار هستند، روی می‌دهند. در ابتدای کار، درگیر تمام حرکات بزرگ در بازار بودم، تا اینکه یک روز

---

۳ *Momentum*

٤ *edge*

متوجه شدم که باید قوانین سختگیرانه‌ای وضع کنم، حتی اگر این قوانین به معنای از دست دادن ۵ مورد از ۱۰ معامله در ماه باشد!.

بنابراین به طور خلاصه، من سیستم سودآور خود را در بازار، تنها بعد از هم‌ترازی بیش از یک قانون ورودی خودم، تعریف کردم، که به من امکان افزایش شانس موفقیتم را می‌دهد. علاوه بر این، با انجام این کار، تمایل به دریافت حرکات بزرگ‌تری در بازار دارم، چون اغلب، از نقاط عطف اصلی، یا از اواسط روند طبیعی برای انجام معاملات خود استفاده می‌کنم.

هیچ جادویی وجود ندارد

اگر به اندازه‌ی کافی شانس لازم برای پیدا کردن نوعی از سیستم‌های مکانیکی فارکس که چندین ماه برای شما به خوبی کار می‌کنند را دارید، باید بگویم: بیشتر اوقات، این مدل‌های معامله‌گری برای از بین بردن معامله‌گران تازه به کار خواهند رفت. به همین دلیل است که سیستم‌های کوچک مکانیکی فارکس در «معامله-گری واقعی» جایی ندارند. بهترین آنها نیز در نهایت بی فایده هستند.

بسیاری از مربیان یا سیستم‌های معامله‌گری، هیچ چیز عملی را آموزش نمی‌دهند، آن‌ها صفحاتی را با «زباله» پر می‌کنند تا پولی به دست آورند. آن‌ها مسائل مربوط به پایه و اساس تحلیل بازار را نادیده می‌گیرند، در آموزشِ روش‌هایی که با بازار تغییر می‌کنند، و همچنین در آموزشِ موضوعات پویایی و رفتار قیمت ناموفق عمل می‌کنند.

زمانی که به دنبال یک راهنما یا یک رویکرد معاملاتی هستید، نباید به دنبال سیستمی بگردید که قوانین ثابتی داشته باشد. تمام معامله‌گران بزرگ از نوعی «احتیاط» و «احساس باطنی» استفاده می‌کنند. انتظار نداشته باشید که فردا نیز همانند امروز، همان معامله‌ی سودآور را داشته باشید، هر روز، بازار متفاوت است، و هیچ دو ستاپ معاملاتی شبیه به یکدیگر وجود ندارد.

منطق معامله‌گری یکسان باقی می‌ماند، اما ما و بازار اینگونه نیستیم. برای یادگیری روزانه آماده باشید، و همچنین رویکرد خود را با شرایط بازار سازگار کنید.

اگر واقعا هنوز به دنبال یک سیستم جادویی برای معامله‌گری هستید، هنوز هم در دنده‌ی یک قرار دارید. من نیاز دارم که شما را به دنده‌ی دوم برسانم، حریص

و تنبل بودن را کنار بگذارید، و لطفا مقداری مطالب واقعی و کاربردی یاد بگیرید تا به شما در کسب سود در بازار کمک کند.

هیچ میانبری برای توسعه یک استراتژی معاملاتی وجود ندارد، هیچ سیستم جام مقدس گونه‌ای، و هیچ سیستم کاملا خودکاری وجود ندارد که معامله‌گران کوچک از آن برای معامله‌ی بازار استفاده کنند. بازیکنان بزرگ بازار همواره مزیت برنده بودن را خواهند داشت و تنها شانس ما این است که یاد بگیریم، چگونه با حرکات قیمت این بازیکنان بزرگ همراه شویم.

به دلیل این فقدان، باید یاد بگیریم که بازیگران بزرگ را پشت سر بگذاریم و بازار را بخوانیم ...

ابتکار عمل از طریق تجربه به دست می‌آید

تبدیل شدن به یک معامله‌گر بزرگ همانند انجام یک ورزش دشوار، مانند تنیس، فوتبال یا بسکتبال است. یادگیری قوانین آسان می‌باشد، اما همانطور که همه‌ی ما می‌دانیم، بازی کردن دشوار است و نیازمند آموزش و تجربه برای توسعه مهارت‌ها و شهود در طول زمان می‌باشد. عنصر مشترک در اغلب ورزشکاران موفق این است که آنها خیلی زود شروع به ورزش می‌کنند و نقشه‌ی موفقیت خود را در طول زمان به تدریج در مغز خود رشد می‌دهند.

برخی از آن‌ها سال‌ها به سختی تمرین می‌کنند تا بر یک ورزش خاص مسلط شوند، بسیاری شکست می‌خورند، و درصد کمی پیشرفت خواهند کرد و برخی حتی در رشته‌ی ورزشی خود، حرفه‌ای می‌شوند. آن‌هایی که به سادگی شکست

می‌خورند، لازمه‌های این کار را ندارند، رویاها و آرزوهای دیگر را می‌یابند و به زندگی خود ادامه می‌دهند.

این منطق برای معامله‌گری نیز یکسان است. برخی از پس آن بر می‌آیند و برخی نیز شکست می‌خورند، برخی از معامله‌گران خصوصی ۱۰۰۰ تا ۱۰۰،۰۰۰ دلار در هفته درآمد دارند، برخی حتی ممکن است سالانه ۱۰۰ میلیون دلار از این کار درآمد داشته باشند. برخی سالیان متوالی پول خود را از دست می‌دهند و در نهایت تسلیم می‌شوند و از بازار کنار می‌روند، که این یک انتخاب عاقلانه است.

من یکی از آن افراد خوش شانس هستم، در سن ۱۵ سالگی شروع به معامله‌گری کردم و درآمد نسبتا خوبی را از بازارها کسب می‌کنم و توانستم زندگی بسیار خوبی برای خود دست و پا کنم. دلیل کسب پول من از بازارها این است که می‌توانم رفتار قیمت و چارتها را به درستی بخوانم. من واقعا معتقدم که این یک معیار تجربه و شهود است. من استراتژی‌های اساسی را آموزش دیده بودم، اما تنها رمز موفقیت که به من کمک کرد تا بازارها را فیلتر کنم و بفهمم که چه چیزی در مقابلم در حال وقوع می باشد، تجربه است که متاسفانه نمی توان این مورد را از طریق آموزش به کسی انتقال داد، و باید خود افراد با تمرین زیاد آن را بدست آورند.

بدیهی است که برخی استراتژی‌های بسیار ابتدایی برای کمک در این بازی که ما آن را معامله‌گری می‌نامیم، وجود دارد. برخی آن استراتژیها را در سطح عمومی بازی خواهند کرد، برخی به سطح پیشرفته حرکت خواهند کرد، برخی هنر را کامل خواهند کرد و تبدیل به معامله‌گران حرفه‌ای می‌شوند و استراتژی های مخصوص به خود را پیاده‌سازی می‌کنند.

نکته کلیدی

به یاد داشته باشید، یک تشخیص معاملاتی قدرتمند، حاصل سال‌ها تجربه در معامله‌گری است. با گوش دادن به مربیان معامله‌گری، یا مطالعه در مورد مفاهیم معاملاتی مختلف مثل این دوره‌ی آموزشی و تمرین مباحث، روش معامله‌گری صحیح به ناخودآگاه ما منتقل شده و در آینده به صورت خودکار و بدون نیاز به تفکر زیاد به راحتی معاملات رفتار قیمت خوبی را انجام خواهیم داد.

واقعیات معامله گری

تشخیص یک موقعیت معاملاتی خوب، کلید موفقیت است، اما این تشخیص تنها پس از سال‌ها تجربه در بازار به دست می‌آید. سئوال اینجاست که چگونه یک معامله‌گر مشتاق و تازه‌کار مانند شما امیدوار است که به موفقیت دست پیدا کند؟ من اغلب چنین سوالی را دریافت می‌کنم؟...

بدون حاشیه به شما می‌گویم، حقیقت این است که تمام معامله‌گران بزرگ باید «تلاش‌های سخت» را انجام دهند. همانند یادگیری راه رفتن توسط یک کودک نوپا، معامله‌گران باید راه رفتن در بازارها را یاد بگیرند.

تنها راه میان‌بر، پیدا کردن یک مربی از جمه خودم، و همچنین جستجو برای یافتن استراتژی‌های معامله گری رفتار قیمت، و کسب تجربه با آنهاست.

چارچوبهای زمانی کوتاه تر، ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی هستند، بنابراین، معامله در یک چارت ۵ دقیقه‌ای می‌تواند یک ابزار یادگیری سریع باشد، حتی اگر یادگیری شما «آنچه که نباید انجام دهید» باشد، تجربه، چه خوب یا چه بد، تجربه است...

به طور خلاصه، سفر در مسیر موفقیت معاملاتی، به صورت غیرقابل اجتنابی شامل صرف زمان در پشت صفحه نمایش کامپیوتر و کسب دانش بازار است. هدف این دوره‌ی آموزشی، راهنمایی و کمک به شما در تفسیر داده‌ها می‌باشد. شما باید هنر خواندن چارتها و رفتار قیمت را مدیریت کنید.

در حالی که من نمی‌توانم به شما قول موفقیت در معامله‌گری را بدهم، اما صادقانه معتقدم اگر شما اطلاعات موجود در این دوره را خوب فرا بگیرید، و به مطالعه و کاربرد استراتژی‌های مربوط به رفتار قیمت و معامله حوزه‌های ارزش در روندها ادامه دهید، شانس شما برای تبدیل به وضعیت حرفه ای، ۱۰۰ برابر خواهد شد.

بیایید شروع کنیم...



مفهوم معامله گری فارکس

معامله‌گری جهت‌دار فارکس، هنر استفاده از حرکات قیمت در بازار معاملات بین بانکی و یا بازارهای سرمایه، برای کسب سود است. معامله‌گران ممکن است در یک معامله برای یک ثانیه یا یک دهه (۱۰ سال)، بسته به روش معاملاتی و برنامه-ی معامله‌گری، درگیر باشند.

تمرکز ما عبارت است از دید کوتاه مدت از تسهیل قیمت از نقطه x به نقطه y

<u>برای سود بردن از جنبش‌های بازار، ما باید جهت قیمت را به درستی پیش‌بینی کنیم، یک ورودی برای معامله اتخاذ کنیم، سپس پوزیشن را بین سطح حدضرر از پیش تعیین شده و سطح سود، مدیریت کنیم.</u>

برای پیروزی در بلند مدت، معامله‌گران باید یک برنامه‌ی معاملاتی با یک سیستم خوب آماری را توسعه دهند. رفتار قیمت، روندهای بازار، و حمایت/مقاومت به ابزار معاملاتی ما در ایجاد این سیستم تبدیل شده‌اند.

هر ستاپ معاملاتی دارای درجه‌ی منحصربه فردی از نسبت پاداش به ریسک است. عمل کردن به این جمله کلیشه‌ای «برنده‌های خود را بزرگتر از بازنده‌هایتان کنید»، مهم‌ترین راه برای ثروتمند شدن است. اغلب، معامله‌گران تمرکز خود را از دست می دهند، و فراموش می‌کنند که هر معامله می‌تواند به طور واقع بینانه‌ای به آن‌ها سود دهد. بازارها در خطوط مستقیم حرکت نمی‌کنند، با این حال معامله‌گران برای مدت طولانی انتظار یک برد عظیم را دارند، و به زودی ... آن‌ها شاهد ناپدید شدن این سودها خواهند بود. باید از رفتار حریصانه‌ی خود دست بکشید و قوانین خود را تنظیم کنید. پاداش مدنظر برای تنظیمات معاملاتی من حدود ۳ تا ۴ برابر ریسک است، و من خوشحالم که این نوع پاداش را در نظر

گرفتم. به این معنی است که من می‌توانم در هر ۳ یا ۴ معامله ۱ معامله برنده شوم و هنوز هم سود مناسبی در یک سری از معاملات به دست بیاورم.

به هنگام معامله‌گری در بازار فارکس، در واقع به طور موثر در حال اداره یک شرکت بازرگانی هستیم. خسارات معاملاتی هزینه‌های کسب و کار هستند، برنده‌ها، درآمد ما هستند. در بدترین شرایط، با توجه به اندازه‌ی حساب ۱۰۰۰۰ دلاری، ما باید در این شرکت سالیانه ۵۰۰ درصد سود کنیم تا زندگی خود را بچرخانیم! درخواست چنین چیزی مشکل است؟ درسته!

یک سیستم معاملاتی برنده ی قدرتمند

معامله‌گران باید از روش‌هایی که سیستم قدرتمندی دارند برای ورود به معاملات استفاده کنند، حتی اگر این سیستم برنده، کوچک باشد، ما با استفاده از یک مکانیزم ورودی که تمایل به تکرار خودش دارد، برای ورود تصادفی استفاده می‌کنیم.

بسته به نسبت ریسک به سود "سیستم"، اندازه برد می‌تواند ۲۵ درصد از کل معاملات باشد. هرچه نسبت پاداش به ریسک بالاتر باشد، نرخ برد مورد نیاز کاهش می‌یابد. هرچه نسبت پاداش به ریسک پایین تر باشد، نرخ برد مورد نیاز بیشتر خواهد شد.

روشهایی در یک سیستم برنده‌ی ساده در بازار وجود دارند که به همراه نسبت پاداش بالا در مقابل ریسک کم، باعث می‌شوند که معامله گر در بازی معاملاتی نگه داشته شود.

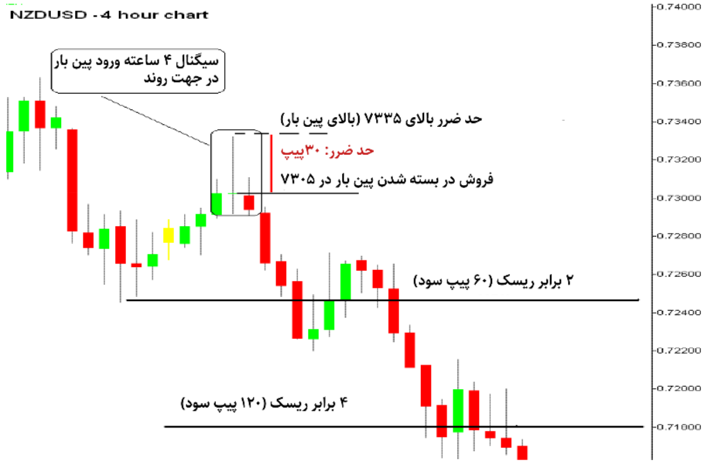
به طور طبیعی بسیاری از عوامل کلیدی وجود دارند که با یکدیگر همکاری کرده برای ثبت یک معامله در یک سیستم قدرتمند، مانند اندازه پوزیشن و ...

تمام معامله‌گرانی که در بازار فارکس شکست می‌خورند، همانند یک قمارباز در کازینو عمل می‌کنند. آن ها فاقد دانش هستند و قطعا هیچ روش معاملاتی ندارند. هیچ برنامه‌ای، و هیچ مدیریت مالی یا مدل حمایتی وجود ندارد، و این «جویندگان هیجان» قطعا اشتیاق لازم برای موفقیت مستمر و بلندمدت ندارند ... اگر می-خواهید برنده شوید، باید بر خلاف این جمعیت بزرگ بازندگان رفتار کنید.

یک سیستم قدرتمند، یک رویداد اثبات شده و تکراری قیمت در بازار است، که بعنوان یک «سیگنال» برای معامله‌گر عمل می‌کند، تا با توجه به آن، یک سفارش در بازار ایجاد کند.

آن معامله‌گرانی که معتقدند، معامله یک فرآیند مکانیکی است، خود را فریب می‌دهند. اکنون باید خودتان را با حقایق موجود رودرو کنید. شما جهت درک اینکه معامله گری واقعا چیست این دوره را سپری خواهید کرد.

شما باید یاد بگیرید که چارت و رفتار قیمت را مطالعه کنید، و بالاتر از همه، باید یاد بگیرید که بدون احساس، روی سیگنال‌های رفتار قیمت، اقدام کنید.



شکل: ۱ مثالی از نسبت ریسک به پاداش

جدول ۱ فهم ریسک به پاداش

استراتژی برنده ۱۲% سود در هر معامله	ریسک در برابر پاداش	ریسک در هر معامله	بردها	باختها	سودکلی
۵۰%	۲ برابر ریسک	۱۰۰۰ دلار	۶	۶	۵۰۰۰ دلار
۳۳%	۲ برابر ریسک	۱۰۰۰ دلار	۴	۸	۰ دلار
۲۵%	۴ برابر ریسک	۱۰۰۰ دلار	۳	۹	۳۰۰۰ دلار

۷ نکته ی اصلی ورود به معامله توسط نایل فولر

۱. به شرکت کنندگان دیگر در بازار فکر کنید و، روی سیگنال‌های خود بدون احساس اقدام نمایید.

۲. از یک چارت قیمت ساده و عریان (بدون شاخص‌های جادویی) استفاده نمایید.

۳. از چارچوب‌های زمانی ۱ ساعته یا بالاتر استفاده کنید.

٤. از الگوهایی که به راحتی شناسایی می‌شوند، استفاده کنید.

۵. به دنبال الگوهایی باشید که اغلب در چارچوب زمانی مورد معامله‌ی ما، خود را تکرار می‌کنند.

٦. از رفتار قیمت به عنوان تایید استفاده کنید، قبل از آن وارد نشوید!

۷. در هنگام شروع یادگیری، در مسیری معامله کنید که کمترین مقاومت (فشار روند چارت روزانه‌ی کوتاه مدت) وجود داشته باشد.

به گل نشسته در جزیره ای بی آب و علف



تصور کنید که در جزیره‌ای بی‌آب و علف قرار دارید، و قبل از ترک خانه، می‌توانید تنها ۳ روش معاملاتی با خود ببرید، کدام روش‌ها را انتخاب می‌کنید؟

این روند فکری برای انتخاب روش‌های معاملاتی روزانه‌ی هر معامله‌گری است.

موفقیت بلند مدت با انتخاب یک دست پر از روش‌های ورود خوب و تسلط بر آنها آغاز می‌شود! مدام انتخاب خود را تغییر ندهید.

عادات ذهنی برندگان

خصلت شماره ۱ تمام معامله‌گران، صبر است. صبور باشید و منتظر ستاپهای معاملاتی مورد نظر خود بمانید، تنها برای بودن در یک معامله، وارد هر معامله‌ای نشوید. معامله‌گران بزرگ اغلب از «بی‌طرف بودن» یا در پوزیشن نبودن، به عنوان سودمندترین ستاپهای معاملاتی یاد می‌کنند.

هنگامی که یک ستاپ معاملاتی کامل شناسایی شد، یک معامله‌گر برنده، با نظم و انضباط اقدام خواهد کرد. او تحت تاثیر اخبار اقتصادی، رسانه یا هر عامل دیگر قرار نمی‌گیرد. او شرایط فعلی بازار را مدیریت، و از چارت و رفتار قیمت پیروی می‌کند.

ستاپهایی که میبینید را معامله کنید، چیزی که بازار به شما میگوید را باور کنید، به ندای درونی خود اعتماد کنید.

هیچ وقت وحشت نکنید و در مواجهه با فرصت‌های معاملاتی مضطرب نشوید. به یاد داشته باشید که فردا، دوباره بازار باز خواهد شد و هرگز به دام تمام حرکات بازار نیافتید. از «سوپرمن» بودن پرهیز کنید، شما انسان هستید! نه انسانها و نه بازار، هیچکدام بی‌نقص نیستند.

اگر تنها احساس خوبی نسبت به ستاپ معاملاتی ندارید، و سیگنال رفتار قیمت فعلی مخالف آشکارترین روند میان دوره است، از آن دور بمانید. سعی کنید پیرو یک روند باشید، نه یک قهرمان که تمام سقف و کف‌ها را معامله می‌کند. البته، موارد استثنائی نیز وجود خواهد داشت، اما وقتی معامله‌گری را شروع می‌کنید، سعی کنید پیرو روند باشید.

اگر یک ستاپ معاملاتی را از دست دادید، قیمت‌ها را دنبال نکنید، اغلب روندها همواره تا حدودی باز می‌گردند و فرصت دیگری برای ورود فراهم می‌کنند. برخلاف اعتماد به نفس شما، من از ورودی‌های دیر هنگام اجتناب می‌کنم و منتظر یک سیگنال قیمت دوم می‌مانم.

رفتار قیمت ردپای پول



شکل: ۲

رفتار قیمت به تنهایی مهم‌ترین چیزی است که معامله-گران می‌بایست در معاملات روزانه‌ی خود به آن اهمیت دهند. رفتار قیمت، کلید فراگیر برای تمام جنبه‌های معامله‌گری سودآور است.

رفتار قیمت هر چیزی که در بازار اتفاق می‌افتد را در هر لحظه در نظر می‌گیرد.

رفتار قیمت، وضوح بسیار بالایی به شما خواهد داد، که جایگاه قیمت، سطوح کلیدی، الگوها و سیگنالهای کندل‌های قیمت را به شما نشان می‌دهد.

یک چارت کندل استیک واضح و خام، مانند آنچه که در شکل ۲ نشان داده شده است، باید مورد استفاده-ترین ابزار در هر دستگاه معامله‌گری باشد.

استفاده از اندیکاتورهای جادویی را کنار بگذارید، چرا که با این کار تنها خود را فریب می‌دهید.



شکل: ۳

در پایان این درس، شما باید بتوانید همه چیز را در این چارت شناسایی کنید و سپس یک استراتژی معاملاتی کامل خواهید داشت

حقیقت معامله‌گری

پس از این که یک ستاپ معاملاتی رفتار قیمت ایجاد می‌شود، هیچ قانون سختگیرانه‌ای برای ورود به معامله وجود ندارد. نکته‌ی کلیدی این است که سیگنال‌ها را بشناسید و سپس همراه با بازار، فرایند یادگیری را طی کنید.

اصول روندها و بازگشت به میانه

- کشف روندهای اصلی
- درک بازگشت به میانه
- قوانین بازار جهانی

چارچوب های زمانی و روندها

چارچوب‌های زمانی

چارچوب‌های زمانی ایده‌آل محدوده‌ی فواصل بین ۱ ساعته، ۱ روز تا ۱ هفته هستند.

چارچوب‌های زمانی بزرگ تر، تمایل دارند تا سیگنال‌های قیمت قابل اعتمادتری ارائه کنند. به این معنی که تشکیل یک روند در چارت هفتگی یا روزانه اهمیت بیشتری نسبت به یک چارت ۱ یا ۴ ساعته دارد. یک الگوی معاملاتی در چارت ۱ ساعت بیش از یک چارت ۵ دقیقه‌ای و غیره دارای قابلیت اطمینان بیشتری خواهد بود.

معامله‌گری در یک چارت ۱ ساعته، قابل اعتمادتر از چارت ۳۰ دقیقه‌ای است، و یک چارت روزانه قابل اعتمادتر از یک چارت ۴ ساعته اما از نظر درک روند و نیز شناسایی الگوهای معاملاتی مانده هم هستند. دوباره، هر چه چارچوب زمانی بالاتر باشد، اهمیت هر سیگنال یا الگو بیشتر خواهد بود.

روندها

جهت بازار، گرایش بازار یا روند نامیده می‌شود.

میانگین متحرک ۱۰۰ در چارت روزانه موضع بیشتری نسبت به یک میانگین متحرک ۲۱، بر همان روند دارد.

واضح‌ترین روندها در چارت روزانه دیده می‌شود، اگر به یک جهت برود، از چپ به راست، چه بالا و چه پایین، شما شاهد یک روند هستید. روندها می‌توانند کوچک یا بزرگ باشند، به افق زمانی و چارچوب زمانی شما بستگی دارد.

فشار مقابله با روند کوتاه مدت (جنبش‌ها در برابر روند وسیع تر) معمولا بی نتیجه هستند و منجر به شکست‌های پی در پی می‌شوند. بیش از ۷۰ درصد از حرکات خلاف روند با شکست مواجه می‌شوند، بنابراین مهم است که تلاش کنیم تا جایی که ممکن است، همراه با روند بمانیم.

روندهای غالب بازار، مانند مقایسه یک کشتی مسافرتی با یک قایق سرعتی هستند، روندهای غالب کند و سخت‌گیر می‌باشند و زمان زیادی را برای دستیابی به مومنتوم صرف می‌کنند. آنها مهمترین تاثیر بر رفتار قیمت در تمامی چارچوب‌های زمانی مورد استفاده هستند.

روندهای کوتاه‌مدت که در ارتباط با روندهای بلند مدت هستند، منجر به تداوم و افزایش پتانسیل سود و همچنین افزایش سناریوهای تناسب پاداش به ریسک می‌شوند.

قوانین بازار

طی سالهای اخیر، بازارها به یک استخر بسیار بزرگ شرطبندی‌های کمّی بر روی جنبش‌های قیمت تبدیل شده‌اند.

بدین معنی که صندوق‌های مالی بزرگ[5] پوزیشن‌های معاملاتی خود را براساس این موارد می‌گیرند:

- با تعصب بسیار آگاهانه براساس مدلهای کمّی پیچیده
- مدلهای سرمایه‌گذاری و معاملاتی مبتنی بر رایانه
- تحلیل بنیادین.

این جزر و مد باعث ایجاد حرکت بازار، گردش بازار و رفتار قیمت می‌شود.

هیچ عامل تشخیصی که حرکت بازار را هدایت کند وجود ندارد، بلکه یک گروه از کاتالیزورها هستند که نقاط عطف، نوسانات و روندها را ایجاد می‌کنند.

قیمت در اطراف نقطه‌ی مرکزی، که «میانه» یا میانگین متحرک نامیده می‌شود، حرکت می‌کند. روند و رفتار نوسانی قیمت، همیشه یا به سمت میانه یا برای دور شدن از میانه حرکت می‌کند. همه به عنوان معامله‌گر، هنگامی که یک روند مشخص شناسایی می‌شود، در راستای شیب میانه حرکت می‌کنیم. معامله‌گران پیشرفته نیز در منتهی درجه (مناطق دور از میانه)، در تلاش برای به دست آوردن سود حاصل از بازگشت قیمت به سمت میانه، معامله خواهند کرد. با این حال، زمانی که یک سیگنال قیمت ثبت می‌شود، آنها اغلب این روش را بکار می‌گیرند.

---

۵ *Hedge funds*

معامله در منتهی درجه، زمانی سودآور است که فشاری بر روی روند اصلی وجود نداشته باشد، مثال: تغییرات دوره‌های رنج به خنثی در بازار.

معامله با یک روند، و معامله در منتهی درجه، ۲ استراتژی متفاوت هستند و بعدا در این دوره به تفصیل مورد بحث قرار خواهند گرفت. قابل اعتمادترین وقایع در بازارها، خطوط میانه (قیمت متوسط)، حمایت و مقاومت استاتیک (سطح افقی ساده)، پشتیبانی متحرک پویا (میانگین متحرک رونددار، نقاط نوسان/نقاط پیوت) و البته، سیگنال‌های رفتار قیمت می‌باشند.

معاملات بر خلاف روند، شانس موفقیت کمتری دارند، مگر اینکه سیگنال رفتار قیمت از یک سطح اصلی باشد، ما از مبارزه با حرکت قیمت اجتناب می‌کنیم.

هر الگوی معاملاتی یا رویدادی در بازار، همواره بر روی متغیرهای بالا تاثیر می‌گذارد. آیا قیمت، محدوده حمایت را حفظ می‌کنند؟ آیا این یک شکست کاذب ایجاد می‌کند؟ آیا قیمت می‌شکند؟ این سیگنال رفتار قیمت، صعودی یا نزولی است؟ آیا معامله در خط همسو با این روند است یا در حال حرکت به میانه، و یا مخالف روند و غیره است؟ اینها سوالاتی هستند که ما باید یاد بگیریم که چگونه برای آنها پاسخ مناسبی فراهم کنیم، و همچنین بر اساس آنها معامله کنیم.

معرفی بازگشت به میانه

بازگشت به میانه قلب تمام جنبش‌های بازار است. قیمت‌ها یا در حال دور شدن از میانه هستند و یا به سمت میانه حرکت می‌کنند. ما دو نوع نوسان کم و زیاد روند داریم. در نوسان زیاد روند، مشاهده می‌شود که بازار به طور قابل توجه همواره در یک جهت قبل از وقوع اصلاح، حرکت می‌کند. در نوسان کم، نوسانات کوچکی

را حول و حوش میانه خواهید دید. (محدوده معاملاتی یا شیب کم خط میانگین متحرک).

این یک حقیقت معروف است که تمام روندها، حتی اگر روزها، هفته‌ها یا سال‌ها به طول انجامند، زمانی در آینده اصلاح خواهند شد، میانه (میانگین متحرک) مورد آزمایش قرار خواهد گرفت. اگر این منطق را به چارچوب‌های زمانی کوتاه مدت اعمال کنیم، می‌توانیم پول خوبی بدست آوریم.

به طور خلاصه، قیمت‌ها همواره از قیمت منتهی درجه بیرونی به یک نقطه‌ی مرکزی بر می‌گردند و همواره از نقطه‌ی مرکزی به سمت منتهی درجه بیرونی دور می‌شوند. این مفهوم اصلی تمام مدل‌های کمّی در امور مالی است. (تصویر ۴ را ببینید)



شکل: ٤
برگشت به میانه

برخی از نکاتی که باید بدانید

- ✓ میانه به عنوان یک خط روند پویا (نقاط ارزشی) عمل می‌کند.
- ✓ اگر قیمت در حال حرکت به سمت و یا دور شدن از میانه باشد، می‌توان انتظار حرکت تا حد متوسط محدوده واقعی برای آن دوره را داشت. به این معنی که ما انتظار داریم، بازار یک فاصله آماری خاص را قبل از تاخیر یا ادامه‌ی روند، حرکت کند.
- ✓ روند گسترده‌تر قیمت در خط، همجهت و با جهت میانگین متحرک بلندمدت حرکت می‌کند. به همین دلیل است که حرکتهای خلاف روند با شکست مواجه می‌گردد و باید نادیده گرفته شود. ما باید سعی کنیم از واکنش‌های خلاف روند فاصله بگیریم. ساده‌تر بگوییم، ما نقاط قوت در بازارهای در حال سقوط را می‌فروشیم و ضعف در بازارهای صعودی را می‌خریم.

بازارها برای حرکت به پایین باید به بالا و برای حرکت به بالا باید به پایین جابجا شوند.

نوسان قیمت، محدوده‌ی معاملاتی و روندها، همگی یک قانون ساده را به همراه خود دارند: قیمت‌ها باید بالا بروند تا پایین بیایند، و پایین بروند تا بالا بیایند.

با دانستن این موضوع، اکنون می‌توانیم درک کنیم که چرا قیمت‌ها جهت حرکت خود را تغییر می‌دهند. همچنین به همین دلیل بسیاری از آنها به عنوان فرصتی برای انجام معامله در جهت مخالف روند مورد استفاده قرار می‌گیرند.

چند بار می‌بینید که یک الگوی شکست، ناکارآمد می‌شود؟ چند بار می‌بینید، که یک جفت ارز فارکس، سقف یا کف جدید تشکیل داده و سپس در جهت مخالف حرکت می‌کند؟

این بازار فارکس است… بازی معاملاتی برای فریب شما طراحی شده است[۶]،تا شما را گمراه کرده و اعصاب شما را آزمایش کند. اگر معامله‌گری آسان بود، همه‌ی ما ثروتمند می‌شدیم، به همین دلیل است که استراتژی‌های ساده کتب درسی کارآمد نیستند، و معامله‌گران ساده‌لوح که نمی‌توانند با ایده‌های جدید سازگار شوند، بارها و بارها شکست می‌خورند.



شکل: ۵

بازارهای فارکس تمایل به مخالفت دارند، در نتیجه به همین دلیل شکست‌های، کاذب موقعیتهای بیشماری ایجاد می‌کنند. همانطور که گفتم، بازارها برای حرکت کردن، باید این کار را انجام دهند.

[۶] برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص تله‌های بازار کتاب تکمیلی‌تر از ری‌ونگ در فارکس‌یار منتشر شده است.



شکل: ٦



شکل: ٧

تفکر در خارج از چهارچوب...

راه اندازی محیط معاملاتی روی چارت



شکل: ۸



شکل: ۹

در معامله‌گری نباید بر روی بیش از ۴ چارت: ۱ساعته، ۴ ساعته، روزانه و هفتگی تمرکز کنیم.

از چارت ۱ ساعته و روزانه برای تحلیل روند استفاده می‌کنیم.

برای چارت ۱ ساعته این تنظیمات را انجام می‌دهیم: نوع نمودار کندل استیک و رنگ چارت یک رنگ ساده وانیلی بوده که روی آن دو میانگین متحرک نمایی[۷] ۱۵۰ و ۳۶۵ نصب می‌گردد. (شکل ۹)

برای چارت روزانه این تنظیمات را انجام می‌دهیم: نوع نمودار کندل استیک و رنگ چارت یک رنگ ساده وانیلی بوده که روی آن دو میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ نصب می‌گردد. (شکل ۸)

چارت هفتگی برای تحلیل روند کوتاه مدت ما استفاده نمی‌شود، اما بدیهی است که در حالت ایده‌آل، از آن برای ترسیم سطوح کلیدی و پیدا کردن رفتار قیمت مانند پین‌بار و کندلهای‌درونی[۸] استفاده می کنم. ما یک میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ هفتگی به این نمودار اعمال می کنیم.

نمودار ۲۴۰ دقیقه‌ای برای آنالیز رفتار قیمت و تنظیمات ورودی استفاده می‌شود، این یک چارت «راهنما» خالی از اندیکاتور یا میانگین متحرک بوده و تنها داده‌های قیمتِ خام بر روی آن نمایش داده می‌شود. همچنین از آن برای تشخیص سطوح کلیدی و رفتار قیمت نیز استفاده می‌گردد.

---

۷ *EMA*

۸ *Inside bars*



شکل: ۱۰

میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵

مطالب مهمی در مورد نحوه‌ی استفاده از میانگین‌های متحرکِ نمایی بلندمدت وجود دارند که باید بدانیم.

تنظیمات ۱۵۰ و ٣٦٥ برای میانگین های متحرک نمایی اعدادی با ارزش پویا هستند، که بازارها اغلب به این

سطوحی که توسط میانگین‌های متحرک نمایی ۱۵۰ و ٣٦٥ ترسیم می‌شوند بعنوان سطوح ارزشمند و پویا رفتار می‌کنند. بازارها اغلب به این سطحها، در تمام دوره-های بازار، احترام می‌گذارند، اغلب میتوان واکنش قیمت به این سطوح را چه در بازارهای رونددار و چه در بازارهای رنج، مشاهده کرد.

سیگنال‌های رفتار قیمت اغلب درون یا در اطراف سطوح مختلف رخ می‌دهند.

آن‌ها به شناسایی روندها کمک می‌کنند، هنگامی که قیمت زمان بیشتری را در یک طرف میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ سپری می‌کند، ما می‌دانیم که بازار دارای یک روند است.

شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰، سیگنال حرکت و رفتار روند را نشان می‌دهد. هر چه شیب آن بیشتر باشد، بیشتر متقاعد می‌شویم که قیمت‌ها را در بر دارند.

ما تنها از شکست میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵ توسط کندلها استفاده نمی-کنیم، بلکه از سطوح و شیب میانگین نیز بهره می‌بریم. اغلب معاملات پیش از عبور کامل از خط، انجام می‌شوند، اینها تنها تاییدیه‌های اضافی برای ما هستند، و سپس می‌توانیم با استفاده از اصلاحات بعدی به سوی میانگین متحرک، به راحتی پوزیشن‌هایی را در سطوح پایین ریسک وارد کنیم.

هر گونه تحلیل روند می‌تواند به عنوان یک راهنما عمل کند و باید به طور ایده‌آل با دیگر روش‌های آنالیز، از قبیل رفتار قیمت و نقاط نوسان افقی ترکیب شود. (در مطالب بعدی، بیشتر درباره‌ی آنها توضیح داده خواهد شد).

به زودی پس از مدتی تمرین، خواهید دید که چگونه این میانگین متحرک، قیمتها را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد.



شکل: ۱۱
میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳٦۵ در چارچوب یکساعته

میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱

هنگامی‌که میانگین متحرک نمایی ۸ روز از بالا یا پایین میانگین متحرکت نمایی ۲۱ روز بگذرد، می‌توان فرض کرد که یک روند کوتاه مدت قدرتمند در حال حاضر وجود دارد. این حرکت اینگونه تفسیر می‌شود که عبور میانگین‌های متحرک از روی یکدیگر به معنای یک حرکت خلاف روند کوتاه مدت تلقی می‌گردد، آنها کامل نیستند، و مسیری که از یکدیگر عبور می‌کنند، در ابتدا می‌توانند یک راهنمای بسیار دقیق باشند جهت یک عبور در جهت مخالف.

به طور شگفت‌انگیزی، قیمت می‌تواند برای چندین روز متوالی بعد از میانگین متحرک ۸ و ۲۱، بسته شود، اما از میانگین متحرک عبور نخواهد کرد. این روند اغلب نشانه ادامه دار بودن روند است. من آنها را به عنوان یک راهنمای سریع

دوست دارم، زیرا دقیق هستند و واکنش‌پذیری سریعی ندارند، مدتی طول می-کشد تا سیگنالی ارائه کنند و می‌توان گفت که یک فیلتر روند ایده‌آل هستند.

بعد از عبور دو خط از یکدیگر، زمانی که اصلاحی در بازار صورت گرفت – حتی ممکن است اصلاحی صورت نگیرد و قیمتها به خوبی بالای ۲ خط به حرکت خود ادامه دهند؛ اغلب شاهد یک جهش سریع در قیمت‌ها هستیم. این بدان معناست که به عنوان یک راهنما، بازارها از این سطوح برای یافتن ارزش استفاده می‌کنند و از آن‌ها دور می‌شوند. (شکل ۱۲ را مشاهده کنید)

طبیعتا، زمانی که تحرکی قدرتمند وجود داشته باشد، خطوط میانگین به بهترین شکل کار می‌کنند.

ما از آنها به عنوان ابزار کاهنده استفاده کرده تا حوزه‌ی فرصت‌ها را شناسایی نماییم. ما اغلب از آنها در ترکیب با رفتار قیمت استفاده می‌کنیم.

آن‌ها یک استراتژی معاملاتی خالص نیستند، بلکه ابزاری برای ترکیب با رفتار قیمت هستند. من بر اساس عبورهای (کراس‌ها) میانگین متحرک معامله نمی-کنم، به خودی خود، این کار بی‌فایده است.



شکل: ۱۲
میانگین نمایی ۸ و ۲۱ روزه

روندهای چرخشی و ناقص

روند ۱ ساعته اغلب می‌تواند فرّار بوده، و همیشه کامل نباشد، برخی از جفت ارزها در یک مسیر به مدت چند روز رونددار خواهند شد، اما قیمت‌ها تمایل دارند که قبل از اصلاح، از میانه فاصله بگیرند، مثال شکل ۱۳ را ببینید...

این خصوصیت مهمِ شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ است، قیمتها شروع به افزایش حرکت و احترام بیشتر به آن می‌کنند، همانطور که در این چارت می‌توان مشاهده کرد، در این مثال، قیمت بیش از ۳۰ پیپ از میانه فاصله گرفت، اما بعد به سرعت معکوس شد.



شکل: ۱۳

در یک چارت روزانه، اغلب، زمانی که بازار درون یا بعد از میانه بسته می‌شود، معکوس خواهد شد. این ویژگی بسته شدن، به بسیاری از معامله‌گران اجازه می‌دهد تا در محل بسته شدن کندل روزانه، وارد معامله شوند. به همین دلیل است که اغلب، بازار رونددار است، اما هنوز هم در این فرآیند نوسان می‌کند.

شکل پایین (شکل ١٤) یک چارت روزانه از همان دوره به صورت چارت ۱ ساعته (شکل ۱۳) است. توجه داشته باشید، زمانی که قیمت در بالای میانگین متحرک نمایی ۸ روز بسته می‌شود، بازار به فروش می‌رسد. این واقعه، نوسان نامیده می‌شود. قیمتها بر می‌گردند تا میانه را آزمایش کنند و سپس دوباره به طور بالقوه از محل میانه فاصله می‌گیرند. همه چیز حول نقطه‌ی مرکزی جریان دارد. و به عبارت دیگر: ما یا در حال حرکت برای دور شدن از ارزش و یا بازگشت به سمت آن هستیم.

هنگامیکه رونِد متغیر و نوسانی وجود داشته باشد، شیب میانگین متحرک نسبت به سطح آن، با اهمیت‌تر است.



شکل: ١٤

چگونه یک خط روند را رسم کنید؟

برای ۲ نقطه اول صبر کرده و یک خط از میان آنها رسم کنید، بسیار ابتدایی است!



شکل: ١٥

چگونگی رسم صحیح خط روند



شکل: ۱۶

مراقب خطوط روند باشید

روندهای کامل سرنخ هایی فراهم می کنند

هنگامی که بازار به خوبی رونددار است، رفتار قیمت اغلب سرنخ‌هایی فراهم می-آورد، زیرا به سطح میانگین متحرک احترام می‌گذارد و در جهت مخالف آن را دفع می‌کند. زمانی که یک معامله‌گر شروع به تشخیص این نشانه‌ها در چارت‌های ۱ ساعته و حتی روزانه می‌کند، می‌تواند ورودی معامله را از یک نقطه با ریسک پایین باز کند.



شکل: ۱۷

معامله‌گران، یا کورکورانه در سطح میانگین متحرک وارد می‌شوند، یا منتظر تایید از طریق سیگنال رفتار قیمت هستند؛ مانند پین بار، درون کندل، شکست خط روند و غیره.

شما در طول زمان متوجه خواهید شد که وقتی یک بازار رونددار است، همواره سرنخ هایی را ارایه می‌دهد و همیشه فرصت‌هایی برای «ورود»، در هنگام امتحان مجدد میانگین‌ها، فراهم می‌کند.

جامعه‌ی معامله‌گری از میانگین متحرک به درستی استفاده نمی‌کند، زیرا آنها بر روی عبور خطوط، بیش از شیب و سطوح تمرکز دارند. روندها می‌توانند سرنخ‌هایی را ارایه دهند، پس مراقب آنها باشید.



شکل: ۱۸

روندهای کاملِ بیشتر در چارتهای ساعتی



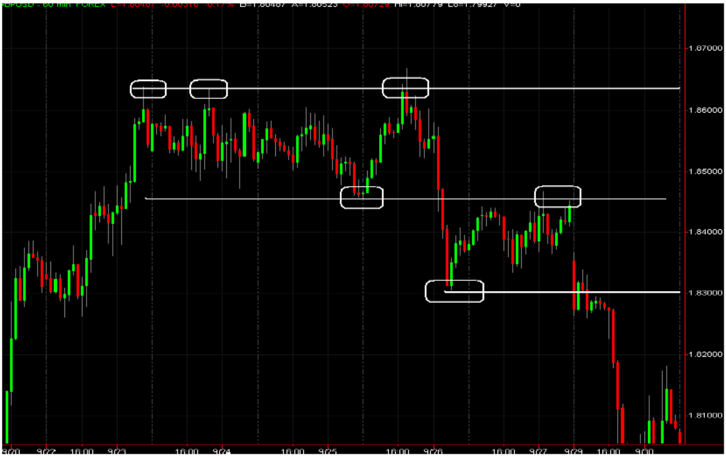
شکل: ۱۹

سیگنال حرکت قوی واگرایی میانگین های متحرک



شکل: ۲۰

حمایت و مقاومت روند (ماهیت اولیه)



شکل: ۲۱
حمایت و مقاومت درون روز

نقاط نوسان حمایت و روندها

بازار سقف‌ها و کف‌ها را می‌سازد و نقاط نوسان را شکل می‌دهد. اینها سطوح مرجع کوتاه‌مدت هستند و نیازی به مورد تایید قرار گرفتن، ندارند. برای مثال اگر بازار پایین برود و به نقطه x بازگردد، یک نقطه‌ی نوسان حمایت باقی خواهد گذاشت. اگر بازار به سمت پایین حرکت کند و نقطه x باز نگردد، نقطه x به نقطه نوسان مقاومت تبدیل می‌شود.



شکل: ۲۲

توجه داشته باشید که حمایت در این چارت *EURUSD* لزومی به تایید شدن، ندارد، بلکه می‌تواند یک نقطه‌ی نوسان یا سطح مرجع باشد، زمانی که بازار در حال حرکت برای ساخت نوسان سقف و کف است، آنها در طول زمان به سطوح کلیدی واضحی تبدیل می‌شوند. به شکل بالا شماره ۲۲ نگاه کنید.

این مثال نشان می‌دهد که روند از یک سیگنال پین‌بار بزرگ سقوط می‌کند، آنگاه به کندی کاهش می‌یابد، همراه با میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ روز سرانجام از سمت پایین عبور می‌کند، بازار در نهایت موفق به ایجاد نوسان حمایت نمی‌شود

و خاتمه می‌یابد. همچنین ورودی‌های چندتایی رفتار قیمت وجود دارد که ما می-توانستیم وارد آنها شویم، و بعدا در مورد آن‌ها بحث خواهیم کرد.



شکل: ۲۳
نشانه گذاری بازار با نقاط نوسان

خلاصه مبحث روند

ما هرگز نمی‌دانیم که چه زمانی یک روند جدید آغاز و چه زمانی تمام می‌شود، ما منتظر آغاز و سپس معامله در درون آن هستیم.

اصلاح اول و دوم، همواره بعد از یک روند جدید مهم هستند.

در یک چارت ۱ ساعته، بهترین حوزه‌های ارزشی کوتاه‌مدت، میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ یا ٣٦٥ هستند. هنگامی که شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ به وضوح در یک جهت و نه مسطح باشد، این روند فرصت خوبی برای محترم شمرده شدن دارد و این سطح، اغلب مقاومت خواهد بود.

میانگین متحرک واگرا، همانند حرکات قیمت، نشان دهنده‌ی تمایل و روند پر شتاب است. میانگین‌های حرکت کلیدی اغلب با سطوح اصلاحی و حمایت یا مقاومت افقی همخوانی دارند. **هنگامی که با یکدیگر ترکیب می‌شود، قدرتمند خواهند شد، ما این را تلاقی مقاومت پویا می‌نامیم**.

ستاپهای روند مستعد «از دست دادن پول» هستند، به این معنا که تمام آنها سودآور نخواهند بود. برخی از ستاپها به سادگی در زمانی که بازار مستقیما از میان میانگین متحرک عبور می‌کند، از بین می‌روند. شما هرگز نمی‌دانید چه زمانی و چه موقع این اتفاق می‌افتد، اما این اتفاق رخ خواهد داد!

اگر یک روند را دنبال کنیم، می‌توانیم با نگاه کردن به چارتها و تایید مسیر با تاثیرات دیگر موارد، از گرفتار شدن در معاملات بد، اجتناب کنیم. دیدگاه‌های خود را با نقاط نوسان، شکست‌های خطوط روند، شکست حمایت و مقاومت، سیگنال‌های رفتار قیمت، و غیره پشتیبانی کنید.

بازار همواره سقف و کف می‌سازد و نقاط نوسان را تشکیل می‌دهد. اینها سطوح مرجع کوتاه‌مدت هستند و نیازی به تایید ندارند. برای مثال اگر بازار پایین برود و در نقطه *x* بازگردد، نقطه‌ی نوسان حمایت ایجاد می‌شود. اگر بازار به سمت پایین حرکت کند و به نقطه *x* باز نگردد، نقطه *x* به نقطه نوسان مقاومت تبدیل می‌شود.

به طور کلی، روند دوست شما است. هنگامی که با رفتار قیمت ترکیب شده و مشهود می‌شود، بزرگ‌ترین معامله‌گران در تمام زمان‌ها، از خلاف روند برای ورود به بازار در جهت نوسان روند وسیع‌تر، استفاده می‌کنند.

برای مثال اصلاحهای قیمتی ۵۵ درصد و ۶۱٫۵ درصد، اغلب برای معامله‌ی نوسان روند در کوتاه مدت، خوب هستند.

با این حال، توجه داشته باشید که معامله‌ی اصلاحات، در مقام خود یک شکل هنری دیگر است، و چیزی نیست که من بخواهم در این دوره به طور مفصل به توضیح آن بپردازم.

استراتژی های معامله گری- جمع بندی



شکل: ٢٤

الگوی روند عالی که به میانه احترام می گذارد (احترام به میانگین متحرک)



شکل: ۲۵

الگوی روند عالی که به میانه احترام می گذارد (احترام به میانگین متحرک)

مثالهای فوق، روندهای کامل را نشان می‌دهند، ما می‌خواهیم روندها را شناسایی کنیم. روندهای کامل زمانی تشکیل می‌شوند که قیمت‌ها مداوماً به میانگین متحرک احترام می‌گذارند، یعنی معاملاتی عالی که پول را در جیب ما قرار می-دهند.

تنها مشخصه بارز میانگین‌های در حال حرکت واضح، یک شیب خوب آشکار، و رفتار قیمت ضعیف است که **تنها با چند کندل کوچک در بالای میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ بسته می‌شود.**

پایین رفتن و ساخت سقف و کف‌های پایین‌تر نیز نشان قوت و تاییدیه‌ای برای این واقعیت است. (عکس آن برای یک روند صعودی صادق خواهد بود).

رفتار قیمت در روندها

یک مسئله مهم:

هنگامی که ما یک سیگنال رفتار قیمت را با یک حوزه‌ی ارزش (میانگین متحرک) ترکیب می‌کنیم، احتمال موفقیت ما افزایش می‌یابد.

رفتار قیمت همیشه در سطوح دقیق رخ نمی‌دهد، قیمت‌ها ممکن است در حال حرکت در طول میانگین یا شکل‌گیری در اطراف آن باشند. آنچه که اهمیت بیشتری دارد، روند اخیر و شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ است. طبیعتا، زمانی که شاهد یک سیگنال رفتار قیمت عظیم در جهت روند هستیم، احتمال موفقیت افزایش پیدا می‌کند.



شکل: ٢٦

مثال: اگر قیمت یک «پین‌بار برگشتی» از یک حوزه‌ی ارزش، یا در طول یک حرکت رونددار تشکیل دهد، این یک سرنخ اتوماتیک برای مسیر آتی روند است. (دوباره این را بخوانید)

بیشترین احتمال برای تمامی معاملات در چارتهای ۱ ساعته و ۲۴۰ دقیقه‌ای زمانی است که معامله‌گران از سیگنال رفتار قیمت برای ورود به مسیر حرکت روند فعلی استفاده می‌کنند.

من دوست دارم در معامله‌گری، تا حد امکان نزدیک به میانگین متحرک، یا حتی بالاتر از آن باشم، فرقی نمی‌کند، چه معامله‌ی رفتار قیمت باشد یا تنها پیوستن به یک روند. پس می‌دانم که ورود من درون یا بالاتر از «ارزش» فعلی بوده است، و من در جهت حرکت فعلی بازی می‌کنم.

چرا ما حرکات خلاف روند را برای ورود به پوزیشن ها انتخاب می‌کنیم؟

جنبش‌های خلاف روند فرصتهای مناسبی برای ورود به معاملات در جهت فعلی بازار یا روند ایجاد می‌کنند.

بهترین روشها، در زمانی که رفتار قیمت مشهود است، شکل می‌گیرد.

در مثال شکل زیر (شکل ۲۷) در روند نزولی موجود، سقف‌ها و کف‌های پایین‌تر وجود دارد.

در این مثال، توجه داشته باشید که سقف‌های بالاتر از نوسان قبلی اهمیت یافته-اند و حوزه‌ای را برای حدضرر یا حداقل ریسک روند را معین می‌کند.



شکل: ۲۷

قوانین حمایت و مقاومت

من به ندرت حمایت و مقاومت را برای ورود به یک معامله به‌کار می‌برم، مگر اینکه بخواهم برای تایید رفتار قیمت در سطح یا نزدیک سطح، از آن استفاده کنم. اگر یک روند قدرتمند وجود داشته باشد و من در یک اصلاح معامله‌ی[۹] فروش قرار داشته باشم، ممکن است از حمایت و مقاومت برای ورود کم ریسک، استفاده کنم.

به محض شکست، نقاط نوسان به عنوان یک مهار قیمت (حمایت یا مقاومت) در جهت روند عمل می‌کنند. این یعنی جایی که عرضه‌ی قدیمی وجود دارد، تقاضای جدید نیز وجود خواهد داشت، و در آنجایی که تقاضای قدیمی وجود دارد، عرضه‌ی جدید نیز وجود خواهد داشت. این یک ویژگی متغییر بازار است و اساسا تمام روندها را هدایت می‌کند.

۹ Retracement

در افق قیمتی بلندمدت، حمایت و مقاومت استاتیک بیشتر مربوط به نوع معامله‌گری می‌شود. پس زمانی که مطالعه را انجام می‌دهید، چارچوب‌های زمانی بالای ۲۴۰ دقیقه‌ای برای معامله‌گران درون روز، و چارتهای روزانه و هفتگی برای معامله‌گران روزانه ایده‌آل هستند.

حمایت‌ها و مقاومت‌ها، به طور مرتب عوض می‌شوند، به این معنا که حمایت قدیمی تبدیل به مقاومت جدید و مقاومت قدیمی به حمایت جدید مبدل می-شود. هرچه چارچوب زمانی کوچک‌تر باشد، دقت آن کمتر و تغییرات آن بیشتر خواهد بود.

ما همیشه با حمایت و مقاومت معامله نمی‌کنیم؛ ممکن است از این سطوح برای ایجاد حد ضرر استفاده کنیم. برای مثال اگر ما یک روند بلند مدت را (خریداری شده) در یک میانگین متحرک معامله کنیم، ممکن است حد ضرر را زیر حمایت قرار دهیم. (عکس آن نیز صادق است).

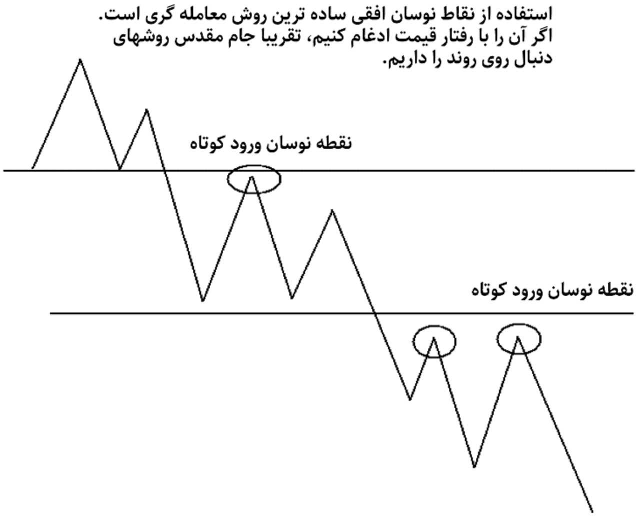
حمایت و مقاومت در بازارهای روندار، بهتر کار می‌کنند، و می‌توانند در هر دوی بلند و کوتاه مدت فعالیت کنند...

اغلب «شکست کاذب» حمایت و مقاومت وجود دارد که می‌توانیم از آن برای معامله‌گری استفاده کنیم. (در این مورد بعدا بیشتر توضیح داده خواهد شد).

رفتار قیمت معمولا ما را به اغلب معاملات می‌رساند، بنابراین بیش از حد، نگران تبدیل شدن به متخصص در شناسایی نقاط نوسان و حمایت و مقاومت نباشید. شما تنها باید از سطوح و الگوهایی که در نزدیکی آنها شکل می‌گیرند، آگاه باشید. یاد بگیرید که آنها را همیشه در چارت خود رسم کنید.

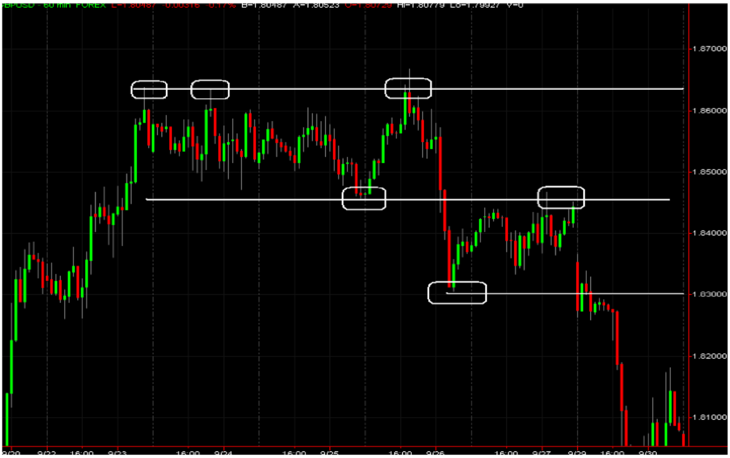
با یک نگاه ساده در چارت، به آسانی متوجه می‌شوید که سطوح افقی در بازار همه چیز را هدایت می‌کنند.

.



شکل: ۲۸

خط افقی



شکل: ۲۹
حمایت و مقاومت



شکل: ۳۰
سطوح افقی و شکستهای کاذب



شکل: ۳۱

سطوح کلیدی بلند مدت خود را رسم کنید – از انجام این کار نترسید



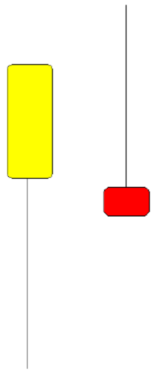
شکل: ۳۲

شکست کاذب در نزدیکی حمایت و مقاومت متداول است، آنها به سمت معکوس شدن پیش می‌روند

الگوهای رفتار قیمت و جمع بندی

- پین بارها
- اینساید بارها
- ستاپهای نامعتبر
- شکستهای نامعتبر
- ورودی های معاملاتی
- ورودی های اصلاح شده و موارد دیگر

پین بار بازگشتی چیست؟



ورود پین‌بار - پین‌بار یک سازه تک میله‌ای است. پین‌بار یک میله‌ی قیمتی است که قیمت‌های بالاتر یا پایین‌تر را طرد کرده است. قیمت در یک جهت باز خواهد شد و حرکت خواهد کرد و سپس در طول جلسه «معکوس» می‌شود تا در قیمت باز شدن یا مقداری بعد از قیمت باز شدن، بسته شود.

شناسایی کندل به این دلیل آسان است که یک «دُم» یا سایه دارد. تمام کندل‌هایی که دم دارند، پین‌بار نیستند. فقط یک کندل که دم آن اغلب بسیار بزرگ‌تر از بدنه باشد، می‌تواند یک پین‌بار نامیده شود. معمولا، بازار در قیمت باز شدن، یا مقداری بعد از آن، بسته می‌شود.

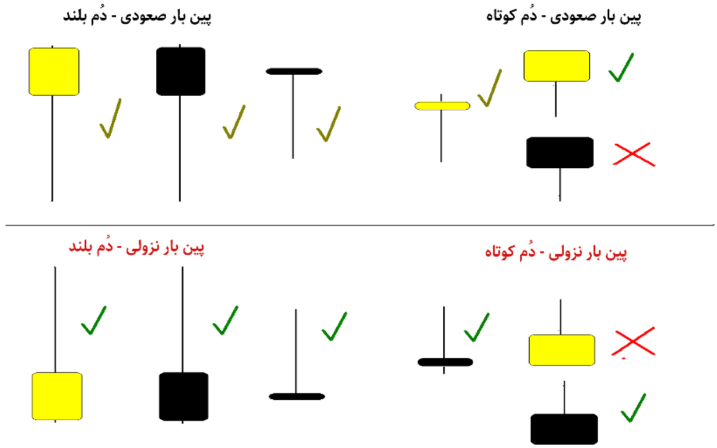
این یک سیگنال بازگشتی عادی است که معمولا در نزدیکی یک ناحیه‌ی مقاومت یا حمایت (سطح افقی یا میانگین متحرک پویا) تشکیل می‌شود. برخی از معامله-گران از آن‌ها همراه با اصلاحات فیبوناچی و روندها یا پیوت/ نوسان ساده استفاده می‌کنند.

به طور خلاصه، پین‌بارها استراتژی نهایی برای سودمندی از نوسانات عمده‌ی قیمت‌ها هستند. بنابر تجربه‌ی من، بازار فارکس، بیشتر به این سیگنال ورودی واکنش نشان می‌دهد، به دلیل تعداد بالای معاملات در فارکس، این الگو، به صورت خودکار، پر می‌شود.

اغلب، بهترین پین‌بارها پس از چند روز حرکت در جهت مخالف حرکت اخیر قیمتها رخ می‌دهند.

من در ابتدای شغل خود متوجه شدم که پین‌بارهایی که در جهت روند شکل می‌گیرند، اما بعد از اصلاح، دیگر وجود ندارند، می‌توانند خطرناک باشند. در واقع این را می‌خواهم بگویم که از پین‌بارهای غیرواضح اجتناب کنید، و از آن‌هایی که درست در نزدیکی سقف‌ها و کف‌های حرکت فعلی تشکیل شده‌اند، اجتناب کنید.

نمونه‌های درست را ببینید.



شکل: ۳۳
برگ مرجع پین بار



شکل: ۳٤

مکانهای صحیح برای پین بارها

انواع ورود با پین بار

سه روش برای ورود مستقیم به معامله پین‌بار وجود دارد:

همیشه لازم نیست، اما همیشه بهتر است ببینید که بینی[۱۰] کندل به نوعی، به مقاومت (میانگین متحرک، نقاط پیوت یا فیبوناچی) برخورد کرده است یا در آن نفوذ می‌کند.

بسیاری از اوقات، بینی کندل تا چند دقیقه یا ثانیه قبل از بسته شدن کندل به سطح بازشدن نمی‌رسد.

۱۰ Nose : نوک کندل

روش۱: پرخاشگرانه

گاهی اوقات، درست بعد از تشکیل بینی پین‌بار، کندل بعدی باز خواهد شد و فورا به نفع شما حرکت خواهد کرد، اما گاهی اوقات نیز بدون شما به حرکت خود ادامه می‌دهد!. با روش پرخاشگرانه، اطمینان حاصل می‌شود که این اتفاق نمی‌افتد، اما با کمی ریسک بیشتر همراه خواهد بود. برای اطمینان از اینکه از این ستاپ جا نمانید، ممکن است از یک ورودی در بازار استفاده کنید. در این روش معامله‌ی شما - زمانی که پین‌بار تصمیم می‌گیرد که مانند یک سنگ، بدون اصلاح، به پایین سقوط کند، پر می‌شود و با خوشحالی به شما سود می‌دهد. حدضرر خود را درست در بالای دُم قرار دهید. برای یک معامله‌ی پرخاشگرانه‌تر، حدضرر خود را بالاتر یا کم‌تر از ۶۰٪ محدوده‌ی پین‌بار قرار دهید. من متوجه شده‌ام که یک پین‌بار ۱ ساعته‌ی بزرگ و حتی کوچک، مانند ۲۴۰ دقیقه‌ای، به سرعت حرکت می‌کند و مستقیما از محل ورود، دور می‌شود. من هرگز قادر نخواهم بود به طور دقیق به شما یاد دهم که در کجا وارد معامله شوید، اما اگر این روند قدرتمند باشد، ورودی‌های بازار می‌تواند انتخاب خوبی بر روی چارچوب‌های زمانی داخلی باشد.

روش۲: پرخاشگرانه

بعضی وقت‌ها، درست بعد از بسته شدن پین‌بار، کندل بعدی باز خواهد شد و فورا به نفع شما حرکت خواهد کرد، اما گاهی نیز بدون شما به حرکت خود ادامه می‌دهد!. این روش پرخاشگرانه، از حرکت بازار به عنوان تایید استفاده می‌کند، اما با مقدار کمی ریسک بیشتر همراه خواهد بود. برای اطمینان از اینکه معامله، بدون شما محل را ترک نخواهد کرد، به طور خاص، بر حسب چارچوب‌های زمانی

روزانه، از یک «سفارش توقف[۱۱]» برای ورود استفاده کنید. بنابراین اگر بخواهم بفروشم، در زیر سیگنال «پین‌بار» ، سفارش ورود توقف وارد می‌کنم، و یا بر عکس آن‌را برای خرید انجام می‌دهم. این روش دوم نیز برای سیگنال‌های درونِ روز، و برای پین‌بارهای احتمالی روزانه که دامنه وسیعی ندارند، مناسب است.

روش۳: محافظه‌کار

بسیاری از وقتها، در چارت روزانه، به خصوص اگر پین‌بار در محدوده‌ی وسیعی باشد، می‌بینم که بازار کمی قبل از معکوس شدن و سقوط یا صعود، ممکن است ۱۲ ساعت یا حتی ۱ تا ۲ هفته زمان ببرد تا اصلاح شود، اما اغلب، قبل از ایجاد سیگنال در جهت مورد نظر ما، یک اصلاح وجود خواهد داشت... من درباره‌ی ورود اصلاحی برای پین‌بار روزانه یا پین‌بارهای بزرگتر از ۲۴۰ دقیقه‌ای در بسیاری از ویدیوهای خود توضیح خواهم داد. روش محافظه کارانه‌تر برای ورود به تنظیمات پین‌بار اینگونه است که، به طور کلی صبر می‌کنیم تا بازار مقداری اصلاح گردد. دامنه‌ی پین‌بار سیگنال را اندازه‌گیری کرده و محدوده‌ی ۳۸٪ تا ۵۵٪ را پیدا می-کنیم، و به دنبال ورودی در آن حوالی می‌گردیم. برخی از راه‌های دیگر برای ورود به یک اصلاح، جستجوی یک سطح منطقی / مقاومت و حمایت آن نزدیکی، می‌باشد. اصلاح برای ورود، حدِ ضرر کوچک‌تر و کاهش ریسک کلی سیستم را برای شما به ارمغان خواهد آورد، اما افزایش نسبت ریسک به پاداش را به همراه دارد.. نقطه ضعف روش محافظه‌کارانه این است که شما گاهی اوقات، انجام معامله را از دست خواهید داد.

---

۱۱ *Stop order*: سفارش‌های توقف: سفارش‌هایی هستند که شما حدس میزنید قیمت پس از رسیدن به نقطه مورد نظر شما به حرکت خود ادامه می‌دهد. سپس دستور خرید یا فروش خود را در آن نقطه به کارگزار اعلام می‌کنید.

پین بار - نکات بسیار مهم

- از پین‌بارهای روزانه در بازار و یا از دستور سفارش توقف، برای ورود استفاده کنید.
- پین‌بارهای روزانه معمولا در صورتی که دامنه‌ی بزرگی داشته باشند، وارد اصلاح می‌شوند. اگر محدوده‌ی پین‌بار کوچک باشد، وارد معامله شوید.
- اغلب از سیگنال‌های پین‌بار روزانه و درون روز با هم استفاده کنید.

ورودی و حد ضرر

استراتژی‌های پین‌بار درون‌روز که پیش‌تر مورد بحث قرار گرفتند، یا در ورودی‌های بازار، یا در مکانهای مورد انتظار حرکت قیمت: در زیر و یا بالای بینی، بسته به جهت معامله‌گری شما خواهند بود. تا زمانی که پین‌بار محدوده‌ی وسیعی نداشته باشد، زمانی که یک روند قدرتمند در راه است، من صبر نمی‌کنم، سراسیمه به داخل می‌پرم ... (بعدا بیشتر توضیح خواهم داد)

در چارتهای روزانه، ورودی به اندازه‌ی آخرین پین بار بستگی دارد، اگر یک پین‌بار با محدوده‌ی بزرگ است، ممکن است، همانطور که قبلا توضیح دادم، منتظر روز بعد، برای انجام اصلاح، بمانید. من واقعا درباره‌ی اینکه کدام روش بهتر است، ۵۰ /۵۰ هستم، اما برای معامله‌گران تازه‌کار، پیشنهاد می‌کنم روش ۳۸٪ -۵۵٪ اصلاح را یاد بگیرند، و سعی کنند که روندها یا حمایت و مقاومت آشکار را معامله کنند. به مرور زمان، پیشرفت خواهند کرد. **قوانین سختگیرانه‌ای برای پین‌بارها و رفتار قیمت وجود ندارد. کلید موفقیت این است که خود سیگنالهای قیمت را تشخیص**

دهید، و تمام آنها را به طریق متفاوتی معامله کنید، و نهایتا تصمیم بگیرید که کدام روش در طول زمان بهتر عمل کرده است.

ساخت یک سیستم معاملاتی ثابت و تنظیم شده برای پین‌بارها، غیرممکن است. اول از همه، بهترینها را با تجربه به دست آورید و سپس از اشتباهات و همچنین بخت خود یاد بگیرید.

حدضرر در اینجا مهم است، اغلب اوقات، باید پایین‌تر از پایین یا بالای پین‌بار سیگنال باشد. اگر معامله‌گر درونِ روز هستید و شما یک سیگنال تایید دریافت کرده‌اید، ممکن است بتوانید حد ضرر خود را کمتر کنید. برخی، حد ضرر خود را بالاتر از بالا یا پایین پین‌بار قرار می‌دهند، برخی از سطح ۶۰ درصد پین‌بار و برخی از سطح ۷۵ درصد استفاده می‌کنند. همان‌طور که همواره می‌گویم، حد ضرر به اندازه‌ی کندل، و به طور واقع بینانه به پتانسیل پاداش به ریسک شما بستگی دارد. اگر کندل یک پین بار بزرگ باشد، و حد ضرر شما ۱۰۰ پیپ میشود، این یک حدضرر بزرگ خواهد بود، بنابراین می‌توانید با استفاده از انواع روش‌های گفته شده، حدضرر خود را کوچکتر کنید. **به یاد داشته باشید، استفاده از یک اصلاح قیمت، قبل از ورود به پین‌بار به طور طبیعی موجب کوچک شدن حدضرر می‌شود.** تشکیل یک کندل درونی در هر جایی بعد از آرایش پین‌بار، کمک فراوانی به مدیریت ریسک خواهد کرد، چرا که شما می‌توانید سطح بالا و پایین پین‌بار را به عنوان حدضرر استفاده کنید. این کار پیشرفته‌تر است، اما چیزی است که شما در حال حاضر و سپس در چارچوب‌های زمانی بالاتر مانند ۲۴۰ دقیقه و روزانه خواهید دید.

همانطور که زمان سپری می‌شود، یاد خواهید گرفت که پین‌بارها شروع به حرکت می‌کنند و **شما می‌توانید معاملات روزانه را براساس خودِ سیگنالِ روزانه مدیریت کنید.**

حمایت و مقاومت واضح، خطوط روند و یا میانگین متحرک نمایی، همه سطوح خوبی برای خروج از معاملات پین‌بار هستند.

زمانی که وارد می‌شوید، به دنبال یک حد سود با حداقل ۲ برابر ریسک خود، و بیشتر، باشید. پین‌بارها می‌توانند به حرکات اصلی منجر شوند، بنابراین اگر سیگنال قدرتمندی باشد و رفتار قیمت با آن موافقت کند، از نگهداری بیشتر یک معامله نهراسید. در این هنگام، من به دنبال یک سطح کلیدی جدید می‌گردم تا سود خود را از بازار خارج کنم. من به تازگی در یک پین‌بار روزانه ۶ برابر ریسک، سود کرده‌ام، بنابراین دوستان، این کار را می‌توانید به انجام برسانید!

اگر معامله‌ی شما بر خلاف یک روند باشد، بهتر است مطمئن شوید که پین‌بار واضح و بزرگ است و سعی کنید تا آن را با تعدادی از سطوح منطقی در بازار تطبیق دهید. تلاقی در این زمینه به شما کمک خواهد کرد! اگر در این مورد تردید دارید، تردید را از خود دور کنید!

صبور باشید و منتظر پین‌بار کامل بمانید. یک مثال از یک پین‌بار کامل در ادامه آورده شده است.



شکل: ۳۵

طوفان کامل - یک پین‌بار در سطح مقاومت اصلی



شکل: ٣٦

پین‌بارها بهترین سیگنالهایی هستند که من در بیش از ۵ سال معامله‌گری از آنها استفاده کرده‌ام و خواهم کرد



شکل: ۳۷

پین‌بار معکوس با روند



شکل: ۳۸
پین‌بار از نوسان اصلاحی



شکل: ۳۹

پین‌بار هفتگی نقاط عطف را نشان می‌دهند

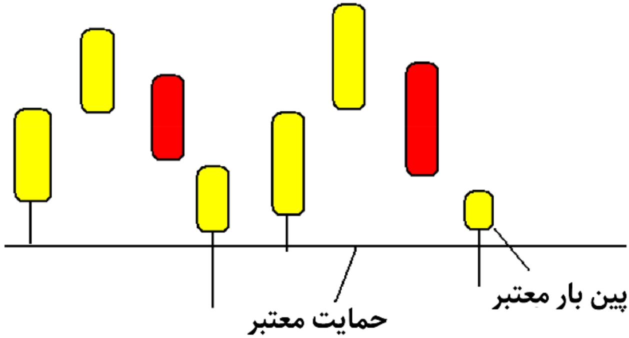


شکل: ٤٠
پین‌بار معکوس با روند

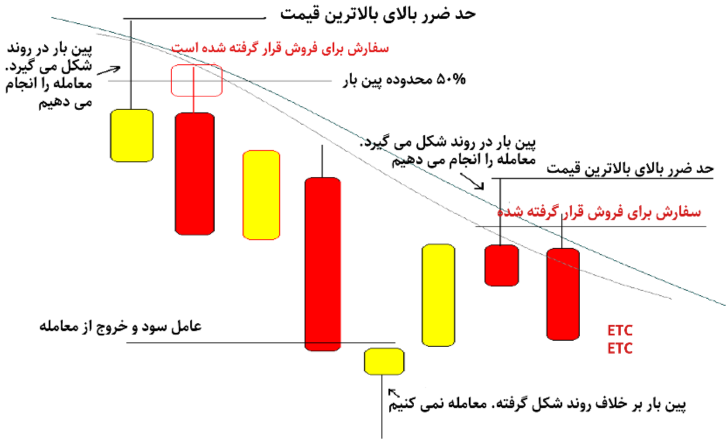


شکل: ٤١

پین‌بار معکوس با روند



شکل: ٤٢
پین بار در سطوح افقی



شکل: ٤٣
مثال ورود پین بار با حدضرر و حد سود در روند

کندل درونی و الگوهای هیکاکی[12]

- کندل‌های درونی
- کندل‌های تقلبی
- شکست کاذب

[12] *Hikkake* : برای مطالعه بیشتر در خصوص الگوهای تقلبی کتاب "پرایس اکشن | تله های بازار" اثر رِی وانگ، پیشنهاد می گردد

کندل درونی[۱۳] چیست؟

کندل درونی یک میله یا مجموعه‌ای از میله‌ها است که کاملا در محدوده‌ی میله‌ی قبلی قرار دارد، یا، به عنوان مثال، کف بالاتر و سقف پایین‌تر از میله‌ی قبل از خود را دارد (برخی از معامله‌گران با برابر دانستن تنها میله‌های قیمتی یک تعریف ملایم‌تری از کندلهای درونی ارائه می‌کنند). در صورت مشاهده یک کندل درونی با رفتن به یک تایم پایین‌تر می‌توان آن را به شکل مثلث مشاهده کرد.

یک کندل درونی نشان دهنده‌ی تردید و یا تثبیت است. کندل درونی اغلب در سقف‌ها و کف‌ها، در ادامه‌ی پرچم‌ها، و در نقاط تصمیم‌گیری کلیدی مانند سطوح حمایت/مقاومت اصلی پدیدار می‌شوند.

آن‌ها اغلب یک مکان کم ریسک را برای ورود به یک معامله، یا نقطه‌ی خروج منطقی فراهم می‌کنند.

مناسبترین زمان برای استفاده از یک کندل درونی، هنگامی است که یک روند قدرتمند در حال پیشرفت است. اگر بر روی شکست آن مانور دهیم، حدضرر را می‌توان در زیر نقطه‌ی میانه‌ی کندل بیرونی یا مادر، قرار داد.

کندل‌های درونی در هنگام معامله‌ی یک روند در چارت ۲۴۰ دقیقه‌ای بسیار خوب هستند و می‌توانند برای شناسایی نقاط عطف بازار در هنگام معامله‌ی این روند، بسیار مناسب باشند.

---

[۱۳] *Inside bar*



شکل: ٤٤

کندل‌های درونی اغلب حرکت بازار را از بین می‌برند، به همین دلیل، آنها هم همراه روند و هم علیه آنها، الگوهای برگشتی خوبی هستند.

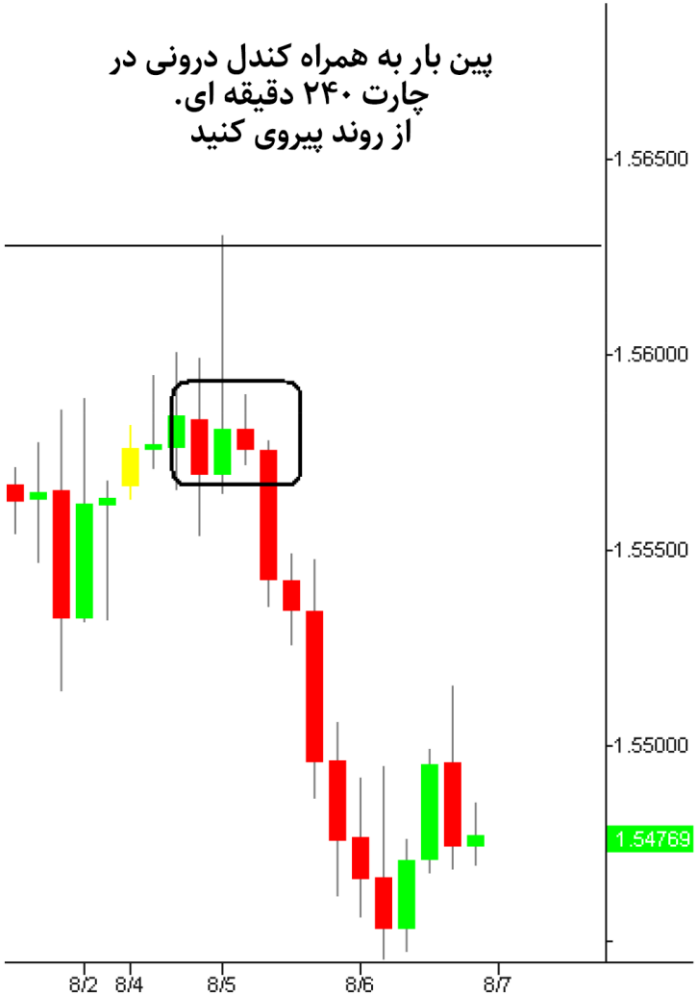


شکل: ۴۵
کندل درونی در چارت روزانه

مشاهده ی کندل های دورنی

هنگامیکه برای اولین بار در معامله‌گری شروع به کار کردم، تنها از کندل‌های درونی درون روز استفاده می‌کردم.

من به این نکته پی‌بردم که کندلهای درونی که پس از پین‌بار شکل می‌گیرند، واقعا عالی هستند! (به شکل پایین نگاه کنید)


پین بار به همراه کندل درونی در
چارت ۲۴۰ دقیقه ای.
از روند پیروی کنید
1.56500
1.56000
1.55500
1.55000
1.54769
8/2
8/4
8/5
8/6
8/7

شکل: ٤٦

با گذشت زمان، خیلی زود متوجه شدم که استفاده از آن‌ها در سطوح کلیدی نیز می‌تواند بسیار سودآور باشد. با این حال، من هنوز به این نکته توجه دارم که اغلب اوقات، جهت کليِ وسیع‌تر، ستاپهای معاملاتی با احتمال موفقیت بسیار بالایی در کندلهای درونی، یا کندل درونی چندگانه، ایجاد خواهد کرد.

من متوجه شدم که:

- ✓ اغلب بعد از یک کندل درونی، یک دوره‌ی کوتاه‌مدت خلاف روند بوجود می آید، اما ما منتظر ورود به بازار بعد از شکست قیمت و قرارگیری در جهت روند هستیم.
- ✓ کندل‌های درونی نزدیک سطوح کلیدی، به عنوان نشانه‌های معکوس در جهت مخالف روند عمل می‌کنند. هر چند که این اتفاق نادر بود.

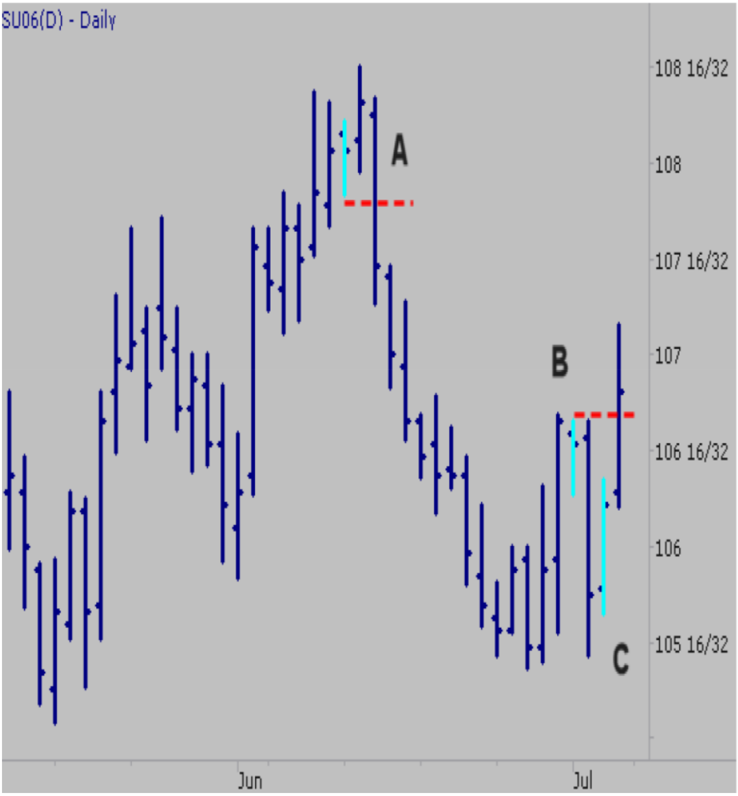


شکل: ٤٧
دسته کوچک (پین بار با کندل درونی)

الگوی تقلبی یا *Hikkake*

"با نظارت بر تغییرات در الگوهای کوتاه مدت و اندیکاتورها، ممکن است بتوانیم در مراحل اولیه تغییر روند، با آن همراه شویم."

Brett N. Steenbarger Ph.D



شکل: ٤٨

"به عنوان یک داستان نویس که تلاش می‌کند تا مخاطبان خود را تحت‌تاثیر قرار دهد، ائتلاف‌ها و متقلب‌ها تلاش می‌کنند تا مردم را گیج کنند و تحت تاثیر قرار دهند تا فکر کنند که یک سهام در جهت معینی حرکت می‌کند. درحالی که هدف نهایی این است که آن را به جهت دیگری حرکت دهند."

Richard D. Wyckoff

Hikkake تقلبی، الگوی شکست کاذب

این الگو جایی تشکیل می‌شود که ما یک شکست کاذب از یک سطح کلیدی، یا شکست کاذب یک کندل درونی را داریم.

به جای این که بازار با شکست اولیه‌ی الگوی کندل درونی حرکت کند، «حرکت کاذب» انجام می‌دهد و در عرض چند روز آتی معکوس می‌گردد.

این شروع یک حرکت قدرتمند است که می‌تواند ۱ یا چند روز به طول انجامد.

حرکت‌های کاذب، روندها را در جهت مخالف ایجاد می‌کنند، زمانی که قیمت نمی‌تواند وارد یک معامله در عرض ۳ دوره از ستاپ‌های کندل درونی شود، آن ستاپ‌ها «تایید نشده» هستند.

آنها (حرکتهای کاذب) به بهترین شکل، بر اساس قیمت بسته شدن، کار می‌کنند، یعنی، به سختی می‌توانند معامله شوند مگر اینکه نسخه‌ی درون روز از این سیگنال مورد استفاده قرار گیرد.



شکل: ٤٩
کندلهای تقلبی در عمل

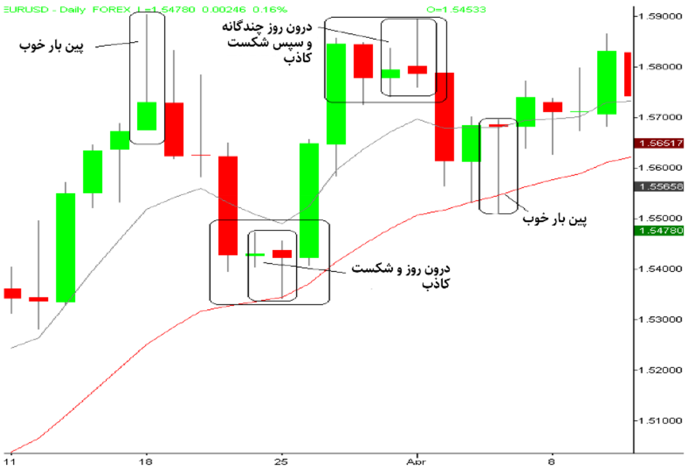


شکل: ۵۰
کندلهای تقلبی در عمل



شکل: ۵۱

بهترین الگوی تقلبی موجود



شکل: ۵۲

پین‌بارها و تقلبی‌ها با هم ترکیب شده‌اند، توجه کنید که چه تعداد شکست کاذب منجر به تشکیل پین‌بار می‌شود

حوزه های رویداد و کندل های درونی

نسخه‌ی من از یک حوزه‌ی رویداد کندل درونی، به طور کلی منطقه‌ای از قیمت است که یک رویداد بزرگ را آغاز کرده و یا آن را خاتمه می‌دهد.

من زیاد وارد دینامیک‌های این مفهوم نخواهم شد. به بیان ساده‌تر، بازارها اغلب در مناطقی که رویدادهای اخیر قیمت رخ داده است، حمایت یا مقاومت پیدا می‌کنند، و به نقاط مرجع تبدیل می‌شوند ...

با توجه به فرصت کم، این موضوع فقط یکبار و همین جا مطرح خواهد شد اما شما می‌توانید مطالعه‌ی خود را در این زمینه ادامه دهید. چگونه می‌توانید یک حوزه‌ی رویداد قیمت را تشخیص دهید که به عنوان حمایت و یا مقاومت عمل می‌کند. مثال شکل پایین (شکل ۵۳) را مشاهده کنید.


EURUSD - 240 min FOREX L=1.54813 0.00279 0.18%
O=1.54533
متوجه کندلهای درونی
و توالی شکستها باشید
به این یک سطح
رویداد گفته می شود
بازار سطح رویداد را دوباره
امتحان می کند
کندل های درونی بیشتر
سقوط در جهت روند
1.57676
1.56277
1.59000
1.58500
1.58000
1.57500
1.57000
1.56500
1.56000

شکل: ۵۳

ورود ۶۰ و ۲۴۰ دقیقه

استفاده از رفتار قیمت برای ورود به روند



شکل: ۵۴
معامله ی بازگشت پین بار در چارت ۱ ساعته روند کامل

معامله دو کندل معکوس در روند

استفاده از این الگو برای من زمانی است که:

- از یک برگشت ۲ کندلی تشکیل شده باشد.
- زمانی که به وضوح از یک روند معکوس نشات بگیرد.
- فقط در زمان معامله ی یک روند باشد.

این الگو کمیاب است، اما بسیار شبیه به یک پین‌بار، یک حرکت سریع روبه بالا و کندل سریع نزولی است.

به طور موثر، آنها نتایج مشابهی را به عنوان پین‌بار تولید می‌کنند، اما اجازه دهید که این موضوع را برایتان روشن سازم ... آنها زمانی که کندل دوم، بالاترین یا پایین‌ترین قیمت کندل اول را می‌شکند (بسته به جهتی که شما معامله می‌کنید) بهترین هستند، من اغلب برای شکست کامل آنها، صبر می‌کنم.



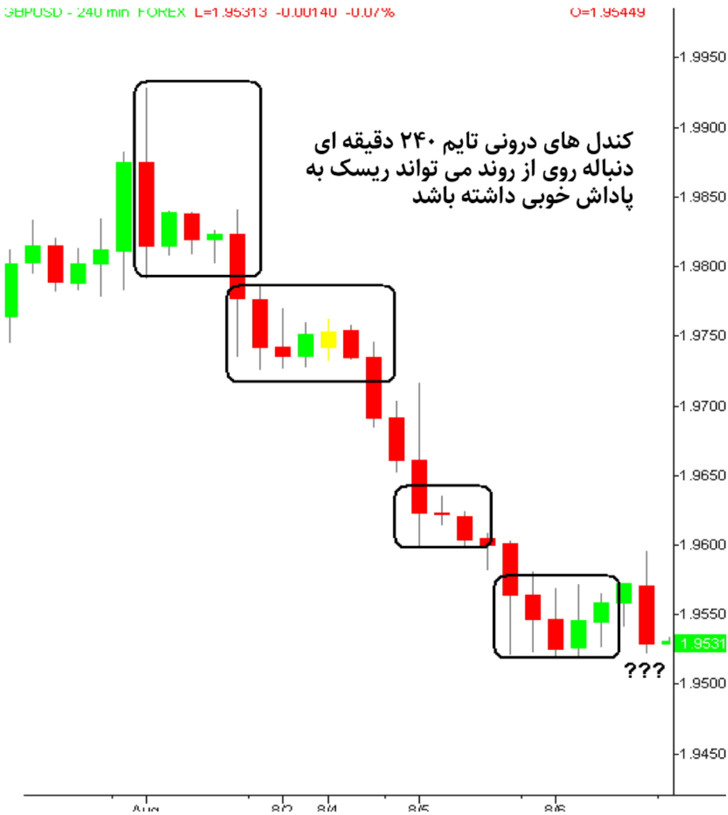
شکل: ۵۵

به مثالها توجه کنید:...



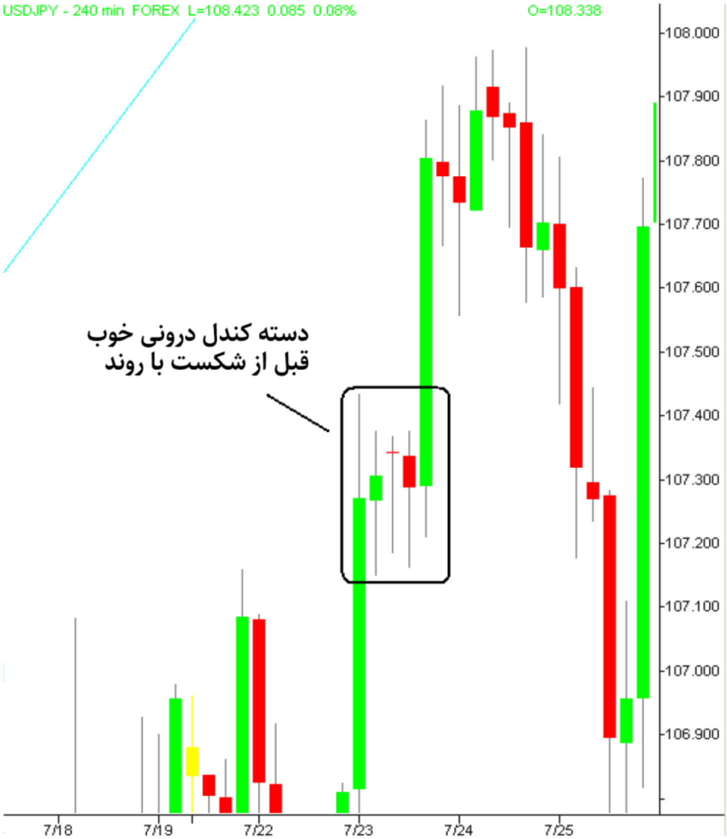
شکل: ٥٦

پین بارهای ۲۴۰ دقیقه ای با روندها و حمایت و مقاومت



شکل: ۵۷

کندل درونی ۲۴۰ دقیقه، تنها با روند مناسب است



شکل: ۵۸

کندل درونی ۲۴۰ دقیقه، تنها با روند مناسب است



شکل: ۵۹

معامله پین بارهای روند و کندلهای درونی



شکل: ٦٠

شکست کاذب با روند در چارت ١ ساعته



شکل: ۶۱
شکست کاذب درون روز تنها در جهت روند



شکل: ۶۲
این تصویر را از روز اول بیاد دارید؟ حالا با عقل جور درمیاد؟

جمع بندی برنامه معاملاتی

(چگونگی اعمال ستاپهای معاملاتی)

چگونه ستاپهای معاملاتی را معامله کنیم؟

برنامه معاملاتی

برنامه معاملاتی که ما دنبال می‌کنیم قبل از ورود به یک نوع چک لیست تبدیل می‌شود.

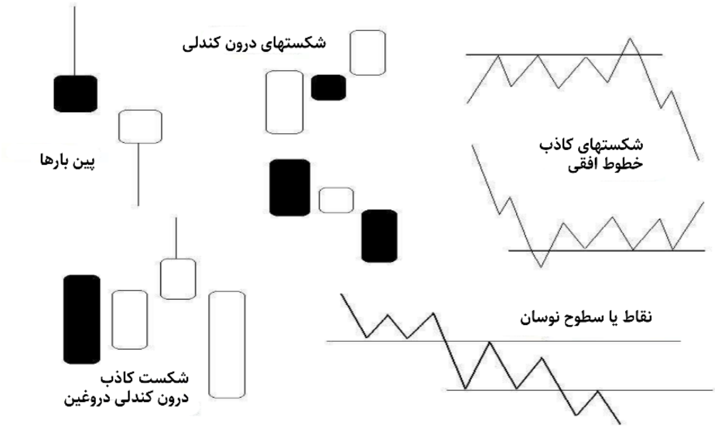
یک برنامه، کمکی است به معامله‌گر تا نظم معاملاتی خود را حفظ کرده و یک چک لیست یا مرجع برای هر ستاپ معاملاتی و سناریو در اختیار داشته باشد. برنامه معاملاتی را نمی‌توان شکست داد، آن قانونی است که شما وضع کردید، پس آن را دنبال کنید!

همیشه به خاطر داشته باشید، ما هرگز هر سیگنالی و یا هر جفت ارزی را معامله نمی‌کنیم. ما بعنوان انسان همواره در حال انتخاب کردن هستیم و لذا باید درک خوبی از رفتار قیمت داشته باشیم، این ترکیب با قوانین برنامه معاملاتی به موفقیت ما کمک خواهد کرد.

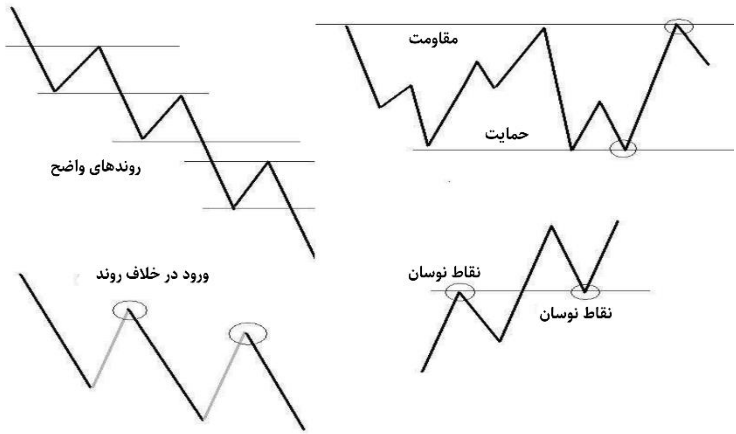
برنامه معاملاتی فارکس

- قوانین مربوط به معامله درون کندلی.
- قوانین مربوط برای معامله پین‌بار.
- قوانین مربوط به معامله سیگنالهای کاذب.
- قوانین مربوط به پین‌بار / درون‌بار ترکیبی.
- قوانین مربوط به معامله شکست کاذب.
- قوانین مربوط به معامله حمایت و مقاومت.
- قوانین مربوط به معامله نقاط نوسان در روندها.
- قوانین مربوط به استفاده از خلاف روند برای ورود به روند فعلی.

- پاداش به ریسک، حد ضرر و حد سود.
- اندازه‌بندی پوزیشن.
- موقعیت خود را تغییر دهید.



شکل: ٦٣
چک لیست رفتار قیمت



شکل: ٦٤
چک لیست رفتار قیمت

قوانین پین بار

ما یک پین‌بار را با آشکال گوناگونی که پیش می‌آید، می‌توانیم معامله کنیم.

۱. با روند (با شیب چارت عمومی).
۲. از یک نقطه حمایت یا مقاومت واضح که قبلا در تاریخچه قیمت اخیر تایید شده است.
۳. در یک نقطه واکنش روند در طول دوره نوسان، یا بازگشت قیمت.

قوانین دروغین

اگر یک الگوی دروغین (فِیکی) به صورت موارد ذیل شکل گرفته باشد آن را معامله خواهیم کرد:

۱. با روند غالب آشکار، شیب میانگین متحرک نمایی ۸ و یا ۲۱ روز.
۲. نزدیک کف یا سقف حرکت روند فعلی. (باید همیشه با شیب روند در یک راستا باشد)، این عمل به روند ادامه‌دار معروف است.
۳. در یک نقطه واکنش خلاف روند، یا در نقطه نوسان، و یا در سطح کلیدی حمایت و مقاومت در روند موجود.
۴. اگر خلاف روند باشد، باید با چیزی قوی مثل یک پین‌بار یا یک سطح بزرگ حمایت و مقاومت مشخص ترکیب شود.

بر روی برنامه خودتان کار کنید

یک برنامه معاملاتی به هیچ‌وجه مکانیکی نیست. این برای هر معامله‌گری منحصر به فرد است. این "راهنمای شما" است.

به سادگی مجموعه‌ای از فیلترها و تکنیک‌های غربالگری را بسازید، که منطقی و ساده هستند. این راهنما برای شما است تا از آن پیروی کنید تا مطمئن شوید که دچار مشکل نشوید و از تصمیم‌گیری احساسی و خود به خودی اجتناب می‌کنید. این یک سیستم یا استراتژی نیست، همانطور که می‌گویم "راهنمای شما" برای ماندن در بازی و اجتناب از اشتباه احمقانه است.

هر روز شما می‌توانید دفتر خاطرات شخصی خودتان را مورد بررسی قرار دهید و باید آن را به صورت محرمانه، نزد خودتان نگه دارید.

می‌توانم به شما بگویم که اگر روزانه این دفترچه را در مورد چند جفت ارز بنویسید، به زودی در چارت خواندن به شدت با استعداد می‌شوید، تنها مسئله گذر زمان است.

(برای اطلاعات بیشتر و ساخت یک تردینگ پلن به کتاب "چگونه یک تردینگ پلن حرفه ای طراحی کنیم؟" مراجعه نمایید)

مدیریت سرمایه و معاملات

مدیریت مالی، کنترل ریسک و برنامه معاملاتی

ریسک و بازگشت - درباره ی پیپ یا درصد نیست

ریسک و بازگشت به عنوان ریسک دلاری یا درآمد دلاری مورد انتظار است، بنابراین ریسک و بازگشت به عنوان درصد یا پیپ بیان نمی‌شود.

چون به دست آوردن یا از دست دادن پیپ فقط نیمی از داستان را بازگو می‌کند. چه مقدار لات در معامله شما به طور چشمگیری به سود و زیان درآمد دلاریتان اثر می‌گذارد، در نتیجه هیچ معامله‌گری نباید به پیپ‌ها به عنوان مقیاس بازگشت سرمایه خود بنگرد!!

به همین دلیل است که معامله‌کنندگان با یک حد ضرر بزرگ معامله می‌کنند، چراکه به پیپ‌ها فکر می‌کنند، نه ریسک به دلار، و این یک اشتباه بزرگ برای معامله‌گران تازه کار است.

مباحث این بخش، مربوط به موضوع مدیریت مالی است و به حقیقتِ اینکه چگونه یک معامله‌گر حرفه‌ای در مورد ریسک سرمایه و بازگشت و مدیریت معامله فکر می‌کند، می پردازیم.

چرا اندازه پوزیشن جایگاه مهم‌تر از مقدار پیپ‌های مورد ریسک ما دارد؟

تعیین اندازه پوزیشن ابزاری است که اغلب نادیده گرفته می‌شود و یا بسیاری از معامله‌گران به سادگی چیزی از آن نمی‌دانند. تعیین اندازه پوزیشن در معاملات فارکس بسیار مهم است و هر کس که به طور فعال بازار فارکس را معامله کند، باید به طور کامل درک کند که چرا مهم است و چگونه می‌تواند در رابطه با کمک به شما در مدیریت احساسات سهیم باشد. بسیار مهم‌تر است که ریسک خود را در مورد هر معامله‌ای، با نسبت ریسک دلاری به پیپ اندازه‌گیری کنید. بسیاری از معامله‌گران تازه کار و ماهر به اشتباه تصور می‌کنند که حد ضررهای گسترده‌تر

به آنها اجازه می‌دهد تا ریسکهای بزرگ دلاری را بپذیرند و حدضررهای کوچکتر به آنها اجازه خواهد داد تا زیانهای دلاری کوچکتری را متحمل شوند. این یک فرض غلط است و دلیل مهمی است که چرا شما باید نقشی را که تعیین اندازه پوزیشن می‌تواند در موفقیت معاملاتی فارکس شما ایفا کند، درک کنید.

بازار فارکس بیش‌ترین انعطاف‌پذیری را در تعیین اندازه پوزیشن ارائه می‌دهد.

اگر شما یکی از معامله‌گران فارکس هستید که خود را متقاعد کرده‌اند که تعیین اندازه پوزیشن و مدیریت ریسک مهم نیست چون سیستم و یا روش معامله شما خیلی دقیق است، یا به این دلیل که احساس می‌کنید بردهای پیاپی اخیر شما هرگز به پایان نخواهد رسید، لطفا این بخش را بیش از هر کس دیگر بخوانید. بازار فارکس انعطاف پذیری شدیدی را در تعیین اندازه پوزیشن ارایه می‌دهد؛ این یکی از بزرگترین مزیت‌هایی است که معامله‌گران فارکس نسبت به افرادی که سهام یا کالاهای تجاری را معامله می‌کنند، دارند. یک لات واحد پول فارکس در حدود ۱۰ دلار به ازای هر پیپ است و بستگی به این دارد که شما چه نوع معامله-ای دارید. تقریبا تمام کارگزاران در حال حاضر مینی لات را به عنوان اندازه پوزیشن معمول پیشنهاد می‌دهند، کوچکترین مقدار برای مینی لات تقریبا ۱ دلار به ازای هر پیپ است، و یک بار دیگر این بستگی به جفت ارزی دارد که شما در آن معامله می‌کنید. در حال حاضر بسیاری از کارگزاران فارکس به شما اجازه می‌دهند که به اندازه میکرولات معامله کنید که عملا به اندازه یک پنی در هر پیپ است، با این حال اکثر کارگزاران فقط به ۱۰ سنت برای هر پیپ در میکرولات راضی می‌شوند. این انعطاف‌پذیری فوق العاده در اندازه پوزیشن به مردم امکان می‌دهد تا یک حساب معاملاتی با ارزش ۲۵۰ دلار باز کنند و هنوز هم شانس جنگیدن و

پیروز ساختن آن را دارند. بازارهای آتی، کالا یا سهام، انعطاف‌پذیری تعیین اندازه پوزیشن که ارایه می‌دهند حتی نزدیک به پوزیشن‌های فارکس نیز نمی‌باشند.

یک درس سریع در مورد اندازه‌گیری پوزیشن

اندازه پوزیشن به طور کلی تعداد لاتی است که شما در هر معامله مبادله می‌کنید، فرقی نمی‌کند لات‌ها استاندارد، مینی، یا میکرو باشند. به عنوان مثال اگر شما ۲ مینی لات از *GBPUSD* به ارزش ۲۰۰۰۰ دلار آمریکا معامله کنید و بسته به اینکه آیا نرخ مبادله بین پوند انگلیس و دلار آمریکا به نفع شما باشد و یا برنده/بازنده خواهید بود؛ مقداری برابر با ۲ دلار در هر پیپ حرکت خواهد داشت. بنابراین اگر شما ۱۰۰ پیپ به دست آورید، ۲۰۰ دلار سود خواهید برد. لذا ما می‌توانیم ریاضیات پشت این موضوع را درک کنیم، از یک زاویه متفاوت به آن نگاه خواهیم کرد؛ اگر *GBPUSD* از ۱٫۵۶۰۰ به ۱٫۵۵۰۰ حرکت کند که یک حرکت ۱۰۰ پیپ انجام داده است، که در واقع برابر با یک تفاوت قیمت ۱۰ سنتی در نرخ مبادله *GBPUSD* است. خوب، ما هم اکنون این کار را می‌کنیم. ۰٫۱ ضربدر ۲۰ هزار برابر با ۲۰۰ دلار است.

یک لات استاندارد به شما اجازه می‌دهد تا حدود ۱۰۰۰۰۰ دلار را کنترل کنید و حدود ۱۰ دلار به ازای هر پیپ داشته باشید، ۱ مینی لات به شما اجازه می‌دهد حدود ۱۰۰۰۰ دلار را کنترل کنید و برابر با ۱ دلار در هر پیپ داشته باشید. و هر میکرولات اجازه کنترل ۱۰۰۰ دلار را می‌دهد و ۱۰ سنت به ازای هر پیپ خواهد بود. بنابراین، اگر یک حساب معاملاتی استاندارد باز کنید و معاملات مینی‌لات را انتخاب کنید، یک مینی‌لات برابر با ۰٫۱ لات خواهد بود، ۵ مینی‌لات برابر با ۰٫۵ لات استاندارد و ... خواهد بود. . اگر یک حساب تجاری مینی لات باز کنید و بخواهید بر روی میکرولات معامله کنید، هر میکرولات برابر با ۰٫۱ مینی لات و ۵

میکرولات برابر با ۰٫۵ مینی لات و ... خواهد بود. بنابراین در نتیجه، اندازه واقعی پوزیشن شما بستگی به این دارد که شما یک حساب استاندارد، مینی و یا میکرو داشته باشید و اینکه چه تعداد لات معامله دارید، میکرولات‌ها به طور کلی یک تابع حساب مینی هستند و اکثر کارگزاران حساب‌های میکرولات را ارایه نمی‌کنند. دانستن این اطلاعات مهم است تا بتوانید درک خود از اندازه پوزیشن را بر پایه یک پایه اساسی محکم بسازید.

تعیین اندازه پوزیشن و نسبت ریسک به پاداش

جهت سودآوری در بازار فارکس، بسیار مهم است که اهمیت نسبت پاداش به ریسک و نحوه ارتباط آن با تعیین اندازه پوزیشن را درک کنید.

قبل از ورود به هر معامله‌ای، باید مقدار دقیق دلاری که شما می‌خواهید در آن ریسک کنید و پاداش دقیقی که فکر می‌کنید می‌توانید با آن معامله بدست آورید را بدانید. سود بردن در هیچ نقطه ای که کمتر از خطر باشد جایز نیست. اکنون توضیح خواهم داد که چرا این موضوع بسیار مهم است. زمانی که مقدار دلار مورد ریسک را تعیین کردید، شما می‌خواهید ریسک را ارزیابی کرده تا اندازه پوزیشن خود را طوری تنظیم کنید که این مقدار را برآورده سازد. اگر شما معامله میکرولات دارید و می‌خواهید ۵۰ دلار را در یک معامله با ۱۰۰ پیپ حد ضرر داشته باشید بنابراین اندازه پوزیشن شما ۰٫۵ است. (به خاطر داشته باشید که ۵ میکرولات نصف ۱ مینی لات است).

۰٫۵*۱۰۰=۵۰$ پس شما باید یک اندازه پوزیشن ۰٫۵ مینی لات داشته باشید (۵ میکرو لات)، ۵۰ دلار را با نسبت هر پیپ ۵۰ سنت به خطر می‌اندازید.

شناخت نسبت ریسک به پاداش بسیار مهم است. اگر در یک معامله ۱۰۰ دلار ریسک کنید و هدف تان ۲۰۰ دلار است، نسبت برد شما دو برابر ضررتان است،

این یک ریسک به پاداش ۱:۲ است. مهم است بدانید که با ریسک به پاداش ۱:۲ شما می‌توانید بیش از ۵۰٪ از معامله‌های خود را از دست بدهید و در عین حال پول خود را در طول زمان به دست آورید، در واقع شما می‌توانید ۶۵ درصد از معاملات خود را با ریسک ۱:۲ از دست بدهید و هنوز پول ساز باشید. اگر شما تنها ۳۵ درصد از آنها را با ریسک ۱:۲ ببرید، ۵۰ دلار سود خواهید برد، در صورتی که ۱۰۰ دلار در هر معامله ریسک کنید.

اینجا، جایی است که قدرت ریسک در برابر پاداش وارد بازی می‌شود. بسیاری از معامله‌گران به اشتباه معتقدند که آنها باید درصد بالایی از معاملات خود را ببرند تا در بازار پول کسب کنند. واقعیت این است که درصد برد تقریباً در این است که آیا شما در بلند مدت پولساز هستید یا خیر. آنچه مهم است این است که اگر از نسبت ریسک در برابر پاداش استفاده کنید، به عنوان مثال، اگر بازده ۳ برابر میزان ریسک باشد، نسبت ریسک به پاداش شما ۱:۳ است.

این به طور یعنی: شما می‌توانید ۷ تا از ۱۰ معامله را از دست بدهید و هنوز هم پول در بیاورید. در یک ریسک ۱۰۰ دلاری شما ۷۰۰ دلار در ۱۰ معامله از دست خواهید داد، اما شما ۹۰۰ دلار از معاملات خود را به دست خواهید آورد، زیرا ریسک شما در برابر پاداش ۱:۳ است، بنابراین ۲۰۰ دلار سود خواهید داشت، اگر چه ۷۰ درصد از معاملات را از دست داده‌اید. شما باید شروع کنید به این که چطور این کار را انجام دهید، چرا داشتن درصد بالای معاملات برنده مرتبط نیست، و چرا مهم است که یک ریسک ۱:۲ یا بالاتر از هر معاملاتی که می‌گیرید را حفظ کنید. واقعیت این است که برد بیش از ۵۰ درصد از معاملات شما در هر بازار بسیار دشوار است، اغلب معامله‌گران حرفه‌ای تنها حدود ۵۰ درصد از معاملات را در طول مدت طولانی برنده می‌شوند، اما آنها قدرت نسبت ریسک به

پاداش را درک می‌کنند، بنابراین آنها هنوز قادر به دریافت پول بسیار خوبی هستند.

ریسک به دلار و نه به پیپ اندازه‌گیری می‌شود.

تعیین اندازه پوزیشن این امکان را به شما می‌دهد که تعداد زیادی از حجم معاملاتی خود را تنظیم کرده تا میزان پولی که می‌خواهید برای هر معامله ریسک شود را برآورده کنید. این به شما این امکان را می‌دهد که از حد ضررهای بزرگتر استفاده کرده اما همچنان ریسک دلاری مورد نظر خود را حفظ کنید. بسیاری از معامله‌گران فارکس به اشتباه باور دارند که حدضررهای بزرگتر به معنای یک ریسک بزرگتر خواهد بود. اگر مقدار ریسک مورد نظر ۱۰۰ دلار است اما شما می‌خواهید حد ضرر خود را در سطحی که ۲۰۰ پیپ از ورودی شما فاصله دارد قرار دهید، به سادگی اندازه پوزیشن خود را برای برآورده کردن سودتان به مقدار دلار تنظیم کنید. به عنوان مثال، فرض کنیم که شما ۱ مینی لات معاملاتی *GBPUSD* دارید، یک ریسک ۱۰۰ دلاری با یک حد ضرر ۲۰۰ پیپ به اندازه پوزیشن ۰٫۵ (یا ۵ میکرو لات) دارید، شما نصف یک مینی لات را معامله می‌کنید که ۰٫۵۰ سنت به ازای هر پیپ خواهد بود. ۵۰ * ۲۰۰ = ۱۰۰ دلار می‌شود. بنابراین، افزایش فاصله حد ضررهای شما، به این معنا نیست که شما باید ریسک خود را افزایش دهید. بسیاری از مردم حد ضررهای خود را تنظیم می‌کنند اما اندازه پوزیشن خود را تنظیم نمی‌کنند؛ این یک اشتباه بزرگ است و دلیل اصلی نابودی حسابهای معاملاتی است. اگر شما شروع به ریسک ۱۰۰ دلار با حد ضرر ۱۰۰ پیپ در معامله کنید، اما بعد تصمیم بگیرید ۱۰۰ پیپ دیگر آن را جابه‌جا کنید و ریسک خود را به ۲۰۰ پیپ (۱ دلار برای هر پیپ * ۲۰۰ پیپ = ۲۰۰ دلار) افزایش دهید، مقصر اصلی نابودی معامله خود شما خواهید بود و چیزی است که توان پایبندی

به آن را ندارید. شما باید قبل از ورود به معامله ریسک خود را به دلار تعریف کنید و سپس اندازه پوزیشن خود را بر طبق آن تنظیم کنید تا نقطه حد ضرر مورد نظر را برآورده کنید تا میزان ریسک دلاری مورد نظر را حفظ کنید.

به همین ترتیب بسیاری از معامله‌گران فکر می‌کنند که حد ضررهای کوچک به معنای کاهش ریسک دلاری است. با این حال، همیشه این مسئله اصلی نیست، اما اندازه پوزیشن این مساله را توضیح می‌دهد. اگر یک معامله‌گر یک حد ضرر ۵۰ پیپ دارد اما ۵ دلار به ازای هر پیپ (۵ مینی لات) معامله می‌کند، ریسک او در معامله ۲۵۰ دلار است. اگر شخص دیگری حد ضرر ۱۰۰ پیپ داشته باشد اما ۲ دلار به ازای هر پیپ (۲ مینی لات) معامله کند، پس ریسک او ۲۰۰ دلار در معامله است. همانطور که مشاهده می‌کنیم یک حد ضرر کوچکتر لزوما به معنای خطر کوچکتری نیست، تعیین اندازه پوزیشن، ریسک دلاری شما را بر روی معامله تعیین می‌کند، نه پیپ. بنابراین، از این مثال‌ها، درس اصلی این است که ریسک باید همیشه در مقدار دلار محاسبه شود، نه پیپ، زیرا اندازه پوزیشن شما میزان ریسک شما به دلار را تعیین می‌کند، نه اندازه پیپ‌های مورد ریسک شما.

برنامه مدیریت ریسک خود را حول تعیین اندازه پوزیشن و نسبتهای ریسک به پاداش ایجاد کنید.

معامله‌گران اغلب می‌شنوند که باید یک برنامه مدیریت ریسک داشته باشند، اما اغلب اوقات ایده آن به نوعی انتزاعی به نظر می‌رسد، بنابراین آنها به طور آگاهانه یا ناخودآگاه فکر می‌کنند که در معامله بسیار خوب هستند و به یک برنامه مدیریت ریسک مشخص نیاز ندارند. نکته اصلی در اینجا این است که اگر به واقع می‌خواهید شانس مبارزه و کسب پول در بازار فارکس را داشته باشید، به

طور قطع باید یک فکر خوب و مدیریت ریسک واضح تعریف کنید. هیچ راهی برای این واقعیت وجود ندارد، شما می‌توانید برای مدتی شانس بیاورید و بدون مدیریت ریسک، پول کسب کنید، اما هر معامله‌گر با تجربه به شما خواهد گفت که شانس تا مدتی همراه شما خواهد بود و عادت عدم مدیریت ریسک همیشه برای اذیت کردن شما باز خواهد گشت و هر بار سخت‌تر از آخرین بار عمل خواهد کرد.

مدیریت ریسک نیاز به پیچیده بودن یا مشکل پیاده‌سازی ندارد. اکثر کتابها و یا وب سایتهای معامله‌گری به واقع هیچگونه جزئیاتی درباره برنامه‌های مدیریت ریسک ارائه نمی‌دهند؛ آنها فقط به طور خلاصه اهمیت برنامه‌های مدیریت ریسک را بیان می‌کنند و سپس به صحبت در مورد برخی از این اندیکاتورها و یا چیزهای پوچ دیگر ادامه می‌دهند.

در برنامه مدیریت ریسک فارکس موارد زیر باید در نظر گرفته شود:

نسبت ریسک به پاداش خود را قبل از ورود به معامله مشخص کنید. براساس ستاپهایی که برای ورود به پوزیشن استفاده می‌کنید، حد ضرر و حد سودتان در کجا قرار دارد؟ اگر نمی‌توانید پاداشی دریافت کنید که حداقل ۲ برابر ریسک شما باشد، بدانید که یک ریسک به پاداش کمتر از ۱:۲ در طول زمان پایدار نخواهد بود زیرا حفظ درصد برد برای حفظ سودآوری در ریسک زیر ۱:۲ دشوار است. به طور ایده آل شما باید به دنبال یک ریسک به پاداش ۱:۲، ۱:۳ یا ۱:۴ باشید، زیرا این نسبت‌ها با بیشترین احتمال برآورده شدن پیش از وقوع هرگونه بازگشت مهمی رخ می‌دهند.

اندازه پوزیشن خود را تنظیم کنید تا میزان ریسک مورد نظر را حفظ کنید.

زمانی که نسبت ریسک به پاداش خود را برای معامله مشخص کردید، باید اندازه پوزیشن مناسب را اجرا کنید تا مطمئن شوید که ریسک دلاری از پیش تعیین شده خود را حفظ کرده‌اید. نکته در اینجا این است که همه تنظیمات برابر با هم نیستند؛ در هر روش معاملاتی به طور ذاتی مقداری اختیار وجود دارد. بنابراین بسته به کیفیت ستاپ، شما ممکن است تصمیم بگیرید که بیش از حد یا کمتر از معمول سرمایه خود را به خطر بیندازید. هر تصمیمی که می‌گیرید باید مطمئن شوید که اندازه پوزیشن را برای رسیدن به حد ضرر مورد نظر تنظیم کنید تا ریسک دلاری خود را حفظ نمایید.

درک کنید که مقدار دلاری که در هر معامله به خطر می‌افتد تاحدودی اختیاری است. معاملات فارکس، بیشتر هنر است تا علم؛ شرایط می‌تواند فرّار باشند یا ساکن، رونددار یا رنج، یا هر ترکیبی از این چهار مورد می‌تواند باشد. هر روش معاملاتی ذاتا درجاتی از اختیار را به همراه دارد، مگر اینکه یک سیستم "ربات" داشته باشید، که هرگز در طولانی مدت کار نمی‌کند. به این ترتیب ممکن است در مورد علاقه شما به ریسک کمی بیشتر و یا کمتر، کیفیت ستاپهای موجود متغییر باشد. این جایی است که سپری کردن زمان در بازار و تجربه به کار می‌آیند. اگر شما یک معامله‌گر تازه کار هستید که تجربه زیادی با روش مورد استفاده ندارد، قاعده کلی می‌گوید ریسک کمتر از ۳ درصد در هر معامله مجاز است. همانطور که در تجربه رشد می‌کنید و یاد می‌گیرید، بسته به شرایطی که به آن نیاز دارید، می‌توانید ریسک بیشتری داشته باشید. این یک روش بسیار پیشرفته است، اگرچه معامله‌گرانی که سالها تجربه ندارند، هرگز نباید بیش از ۳٪ در هر معامله ریسک کنند.

مدیریت سرمایه

کاهش ضررها

یک معامله به احتمال زیاد بر ثبات روانی شما تاثیر می‌گذارد و می‌تواند باعث شود که شما از کنترل خارج شوید و یک میزبان تمام عیار از اشتباهات معاملاتی شارژ شده را مرتکب شوید.

به همین دلیل است که اغلب معامله‌گران ارز که تازه کار هستند نمی‌توانند به مدت خیلی طولانی معامله نمی‌کنند، زیرا آن ها قادر به حفظ ضررها به مقدار کوچک نیستند. زمانی که پول را در معامله از دست می‌دهید، سرمایه کمتری برای کار دارید. بنابراین برای اینکه آنچه را از دست داده‌اید پس بگیرید، باید درصد بالاتری از آنچه را که از دست داده‌اید، به دست آورید. در ابتدا اندازه‌های پوزیشن خود را کوچک نگه دارید وحد ضرر را اعمال کنید.

ما فارکس را برای قمار کردن معامله نمی‌کنیم. مهم است که تراز معاملاتی خود را حفظ کنید. اگر ۲۵ درصد از پول حساب خود از دست بدهید، باید زندگی معاملاتی را متوقف کرده و به معاملات دمو بازگردید تا زمانی که به طور سودآوری معامله کنید.

هدف خود را ثبات قرار دهید

سعی کنید ماه به ماه درآمد ثابت داشته باشید، اهداف خود را تعیین کرده و آماده باشید زمانی که اهدافتان عملی شد، از آن خارج شوید. معاملات بیش از حد، قاتل معامله‌گران است.

حد ضررهای محافظتی

همه روش‌های معاملاتی خوب از حد ضرر استفاده می‌کنند.

حد ضرر حفاظتی دستوری است برای خروج از یک پوزیشن خرید یا فروش و برای اجرا شدن آن باید قیمت بر خلاف شما تا نقطه‌ای خاص حرکت کند. حد ضرر غیر معمول، ضرر بزرگی را به بار می‌آورد و باید به یک روش و یا روش‌های دیگر استفاده شود.

یک حد ضرر اولیه را می‌توان با سفارش شما روی پلتفرم معاملاتی قرار داد. اگر حد ضرر فعال شود، معامله به طور خودکار بسته خواهد شد. این نوع حد ضرر به شما این امکان را می‌دهد که از کامپیوتر دور شوید تا تلویزیون تماشا کنید، با افراد صحبت کنید یا ساختمان را ترک کنید. این حد ضرر ایده‌آل است و توسط بسیاری از معامله‌گران موفق استفاده می‌شود. اگر معامله آنطور که به نظر نمی‌رسد به مسیر خود ادامه دهد، هنوز هم می‌توانید این معامله را به صورت دستی ببندید. اگر بخرید، حد ضررتان پایینتر از بازار خواهد بود. اگر بفروشید، حد ضرر شما باید بالای بازار قرار داده شود.

حد ضرر ذهنی/حد ضرر زمانی

این نقطه‌ای است که شما برای یک خروجی انتخاب می‌کنید اگر معامله هر کاری را که ممکن است برخلاف آنچه که انتظار داشتید انجام دهد. این به معنای ترس یا تسلیم شدن به احساسات نیست. بهترین مثال، اگر وارد یک معامله شوید، و برای ۵ روز آینده بازار در محدوده باریک بالا و پایین رود و تنظیمات اولیه معاملاتی را از بین ببرد، این ممکن است اینگونه باشد که شما از یک حد ضرر ذهنی استفاده می‌کنید و همچنین از یک حد ضرر طبیعی به عنوان پشتیبان برای

اشتباهتان استفاده می‌کنید. طبیعتاً، کارگزار نمی‌تواند به یک حد ضرر ذهنی دست بزند، چون نمی‌تواند آن را ببیند.

حد ضرر متحرک

حد ضررهای متحرک ضروری نیستند. این امر مستلزم حرکت دادن حد ضرر معامله‌گر، همزمان با پیشروی معامله به نفع او است. مثال، در یک معامله خرید، *EURUSD* به طور پیوسته از ورودی به ۱٫۲۳۰۰ حرکت می‌کند تا ۱٫۲۵۰۰ را لمس کند، معامله‌گر حد ضرر خود را به ۱٫۲۳۰۰ می‌آورد و در نقطه سربه‌سر قفل می‌کند و حتی اجازه می‌دهد که سود ادامه یابد. اینها دستورات بسیار پیشرفته‌ای هستند که در آینده مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

حد ضرر اضطراری

اگر معاملات شما کوتاه مدت است، احتمالا تمایل دارید تا بدون حد ضرر، معامله کنید. (این کار پیشنهاد نمی‌شود). پیشنهاد میشود از حد ضرر اضطراری استفاده نمایید.

این "حد ضرر اضطراری" یک دستور توقف استاندارد است که ۱۰۰ پیپ پایین‌تر یا بالاتر از قیمت ورودی شما قرار داده می‌شود تا در صورت خرابی کامپیوتر، اینترنت، افزایش ناگهانی ناشی از اخبار غیر منتظره و غیره، در امان باشید، امیدوارم هیچگاه اینگونه معامله نکنید.



شکل: ٦٥

یک نسبت ریسک به پاداش ۱:۳ مثبت به این معناست که اگر ۵۰ پیپ حد ضرر قرار دهیم انتظار برد ۱۵۰ دلار را داریم. این بسیار بهتر از نسبت ریسک به پاداش ۲:۱ منفی است که اگر ۵۰ دلار حد ضرر داشته باشیم انتظار ۲۵ دلار را داشته باشیم.

درصد برد، بدون در نظر گرفتن نسبت‌های ریسک به پاداش در فرایند معامله-گریمان کاملاً بی‌ارتباط خواهند بود. اگر سودمان بیشتر از ضررمان باشد، حساب معاملاتی‌مان در بلندمدت رشد خواهد کرد.

تعیین اندازه پوزیشن

معاملات با اندازه مناسب می‌تواند تفاوت بین ضرر و زیان باشد.

تعیین اندازه پوزیشن فرآیند تعیین میزان سرمایه‌گذاری و یا ریسک در هر معامله واحد است. تعیین اندازه پوزیشن برای معاملات فعال، در مقابل سرمایه‌گذاری بلندمدت متفاوت است. در مورد معاملات کوتاه‌مدت، معمولا در صورتی که معامله بد پیش برود، اغلب شما می‌توانید میزان ضرر خود را محاسبه کنید.

در استراتژی‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، تعیین اندازه پوزیشن کمی پیچیده‌تر است و ممکن است به استراتژی بازی بستگی داشته باشد. در این بخش ما بر روی تعیین اندازه پوزیشن برای معاملات کوتاه‌مدت تمرکز خواهیم کرد.

تحمل ریسک خود را مشخص سازید و به یک برنامه وفادار بمانید.

مزیت تعیین اندازه پوزیشن این است که به شما در پیش‌بینی و کنترل تاثیر معاملات خود بر روی ارزش پورتفولیو کمک می‌کند. بسیاری از معامله‌گران مقادیری متناقض را در هر معامله سرمایه‌گذاری می‌کنند.

بی‌ثباتی، یا بیش از حد سرمایه‌گذاری در یک معامله واحد، منجر به خالی شدن حساب شما خواهد شد که می‌تواند شما را از بین ببرد. دانستن اینکه چقدر شما سرمایه‌تان را در یک معامله واحد در مقایسه با کل پورتفولیوتان به خطر می-اندازید، به سرمایه‌گذاری شما کمک می‌کند که ثبات بیشتری داشته باشد.

معامله‌گران خوب گاهی اوقات در مورد نحوه محاسبه ریسک، یا حداکثر ریسک، از هر پوزیشن خاص متفاوت هستند. ما معتقدیم که با استفاده از فاصله بین نقطه ورودی و حد ضرر شما موثرترین راه برای تعیین حداکثر میزان ریسک است.

برای اندازه گیری پوزیشن خود، باید بدانید چقدر پول در حساب خود دارید، چه درصد از آن را می‌خواهید ریسک کنید و حد ضررتان چه میزان است. تصور کنید که یک حساب با ۱۰۰۰۰ دلار سرمایه در آن دارید و مایل هستید ۲ درصد را در یک معامله بد از دست بدهید. شما در حال بررسی پوزیشن خرید در یورو / دلار آمریکا در ۱٫۵۰۰۰ هستید و احساس می‌کنید که نیاز به یک حد ضرر ۵۰ پیپ برای آن معامله دارید. شما در حال حاضر آماده محاسبه اندازه پوزیشن خود با این فرمول هستید:

(مقدار حساب * درصد ریسک)/ مقدار دلارحد ضرر =

اندازه پوزیشن (۱۰۰۰*۲%) / ۵۰ پیپ = ۴ مینی لات

ما از حد ضرر برای محاسبه حداکثر ریسک در فارکس استفاده می‌کنیم زیرا یک پوزیشن فارکس یک پوزیشن حاشیه‌ای است. این بدان معنی است که یک تعهد در بخش معامله‌گری برای جبران خسارت وجود دارد.

شما در واقع بیش از ۱۰۰۰۰ دلار پول در زمانی که معامله مینی لات را اتخاذ می‌کنید، در اختیار ندارید. کاری که شما واقعاً خودتان انجام می‌دهید تعهد شما است و بنابراین تعیین اندازه پوزیشن شما باید بر این اساس، و نه کل مقدار پوزیشن تصوراتتان، باشد. این برخلاف یک معامله سهام است، که در آن می‌توانید درخواست تحویل گواهی سهام را بکنید.

راهنمای سریع - کنترل درصد ریسک

یک معامله‌گر از چه میزان ریسک/حساب باید استفاده کند؟ معامله‌گران حرفه‌ای متفاوت هستند و ۱٫۵٪، ۲٪، ۳٪ یا ۵٪ کل حساب خود را در هر معامله ریسک می‌کنند. زمانی که شروع به کار می‌کنید، بهتر است بیش از ۲٪ ارزش حسابتان را بر روی هر معامله واحد ریسک نکنید. اگر تراز حساب شما بیش از حد کوچک باشد و یا اهرم زیادی را انتخاب کنید، حد ضرر شما کوچک خواهد بود و احتمالا مورد اصابت قرار خواهد گرفت.

به عنوان مثال، با یک حساب ۵۰۰۰ دلاری با استفاده از ۲۵ پیپ حد ضرر و به خطر انداختن ۲٪ از حساب، شما ۳ مینی لات معامله خواهید داشت. ۲٪ از ۵۰۰۰ دلار = ۱۰۰ دلار.

اگر ۱ مینی لات به اندازه یک دلار در هر پیپ ارزش داشته باشد

۲۵/۱۰۰$ پیپ = ۴ مینی لات

برای یک حساب ۵۰۰۰۰ دلار، ۲٪ از ۵۰۰۰۰ دلار = ۱۰۰۰ دلار.

۱۰۰۰ $/۲۵ = ۴۰ مینی لات یا چهار لات کامل با ده دلار در هر پیپ.

برای یک حساب ۴۰،۰۰۰ دلاری و یک حد ضرر ۵۰ پیپ، ۲٪ = ۸۰۰ =۸۰۰/۵۰=۱۶ مینی لات یا ۱٫۶ لات کامل


1.2500
ورود
1.2400
ریسک ۱۰۰۰ دلار
۱۰۰ پیپ
1.2300
حد ضرر
1.2200
۱۰ = ۱۰۰ پیپ/۱۰۰۰ دلار
می توانیم ۱۰ مینی لات یا ۱ لات کامل را معامله کنیم
۱۰۰۰۰۰ دلار = ۱ لات کامل، ۱۰۰۰۰ دلار = ۱ مینی لات

شکل: ٦٦

روانشناسی معامله گری

مهارت در احساس های بازار و روانشناسی آن

روانشناسی بازار

یک روش معامله‌گری عالی بدون تسلط بر احساسات خود و یادگیری در مورد روانشناسی بازار، بی‌فایده خواهد بود.

ترس

ترس می‌تواند ناشی از، از دست دادن پول، ترس از اشتباه، ترس از ناپدید شدن و ترس از رها کردن پول روی میز معامله‌گری باشد.

ترس می‌تواند یک معامله‌گر را از بین ببرد و منجر به انفعال شود. می‌تواند باعث بیرون راندن دانش شود. ترس می‌تواند با یادگیری کنترل احساسات و ترس‌های کوچک مدیریت شود. سعی کنید خونسرد و متمرکز باقی بمانید.

قادر باشید بدون جایگزین کردن روش خود، زیان‌های متوالی را بپذیرید. با وجود ترس، معامله‌گران برنده اقدام مثبتی به عمل می‌آورد. از سرمایه خود در برابر ضرر و زیان جلوگیری کنید. تمام معامله‌گران قرار نیست که برنده باشند.

اگر می‌خواهید معامله‌گر موفقی باشید باید برای قبول ریسک مالی برای چیزی که هیچ کنترلی بر روی پیامد آن ندارید، آماده باشید. معامله‌گری بازی احتمالات است و هیچ چیز قطعی نیست.

سعی نکنید به جای پذیرفتن ضررهایی که با روش مورد استفاده‌تان کسب می-کنید، معاملات برنده را انتخاب کنید. اگر شما ۵ معامله خود را پشت سر هم از دست بدهید، باید معامله بعدی را ادامه دهید. تمام روش‌ها کمّی ضرر دارند و فقط به این علت که معامله شما ضرر کرد، شما بازنده نیستید. هر بار که احساس می‌کنید کار اشتباهی کرده‌اید در مورد خودتان قضاوت نکنید. اشتباهاتی رخ خواهد داد. هیچ کس یک معامله‌گر کامل نیست، پس اگر اشتباه کردید، خودتان

را شکست ندهید. هر پولی که از دست رفته است، کمک مالی به سایر معامله-گران است.

نگویید "من باید بهتر معامله کنم"، یا "من باید آن حرکت را می‌گرفتم"، یا "من باید X دلار امسال کسب می‌کردم". به افکار منفی گوش ندهید. بر آنچه می-خواهید به دست آورید تمرکز کنید. روش خود را آزمایش و آن را اصلاح کنید، چرا که می‌دانید بیشتر از ضررهایتان پول به دست خواهید آورد.

تنها با پولی معامله کنید که می‌توانید از دست بدهید و اهداف واقع گرایانه‌ای را تعیین کنید. سعی نکنید در سال اول ۵۰۰۰۰۰ دلار بگیرید.

معامله در یک مکان آرام و بدون احساسات انجام دهید. آنچه را که در آن خوب هستید و آنچه را که در آن خوب نیستید، بشناسید.

حرص

معامله‌گران هجومی، به معاملات زیادی وارد خواهند شد و یا در معامله بیش از حد طولانی باقی خواهند ماند و معامله بر ضد آن‌ها پیش خواهد رفت. نیازی به حریص بودن در معامله نیست، زیرا یک فرصت معاملاتی خوب دیگر به زودی به پایان خواهد رسید. سعی نکنید یک معامله بزرگ داشته باشید که شما را ثروتمند کند.

اعتماد به نفس بیش از حد

یک معامله‌گر با اعتماد به نفس بیش از حد ممکن است بسیار زیاد معامله کند و یا ریسک زیادی برای پاداش بسیار کمی داشته باشد. باید بدانید که یک الگو در گذشته چقدر موفق بوده است. بدون اینکه فکر کنید و یا تکلیف خود را انجام دهید، با یک حدس و گمان وارد معامله نشوید.

سرخوشی احساسی است که فکر می‌کنید، نمی‌توانید هیچ کار اشتباهی انجام دهید. از آنجا که معامله یک بازی احتمالات است، معامله‌کنندگان زمانهایی را تجربه خواهند کرد، که نمی‌توانند اشتباهی مرتکب شوند اما اینها موقتی هستند. خطری که وجود دارد این است که یک معامله‌گر ریسک زیادی کند و با ضرر زیادی مواجه خواهد شد.

اعتماد

معامله‌گران موفق با استفاده از روش خود، بارها و بارها در طول زمان، مقدار زیادی اعتماد به نفس در خود ایجاد می‌کنند تا اینکه بدانند روش آنها تا چه حد موفق است.

عدم توانایی در کشیدن ماشه معامله

اگر شما یک معامله‌گر ارز هستید، باید بابت زمان و تلاش خود پول کسب کنید. شما باید در بازار باشید تا پول به دست آورید. شما باید به سرعت تصمیم بگیرید، اگر نه معامله از آنجا عبور خواهد کرد، و یا زمانی که قیمت در حال حاضر در پایان یا نزدیک به پایان حرکت است وارد معامله خواهید شد. معاملات را به سرعت و قاطعانه انجام دهید. معاملات خود را به تعویق نیندازید و یا بیش از حد آنالیز نکنید.

همیشه در ذهن ما شکی وجود خواهد داشت. این طبیعت معامله‌گری است. برنامه کاری خود را دنبال کنید. احساسات خود را کنترل کنید. با عذر و بهانه برای عدم موفقیت معامله نکنید. آماده‌سازی و درک نیازهای معامله‌گری است. ایجاد عادات معاملاتی خوب مورد نیاز است. صبر کنید تا ستاپ‌های معاملاتی قبل از انجام، روشن و واضح شوند. اگر از حد ضرر ذهنی استفاده می‌کنید، باید در آنجا نیز اقداماتی انجام دهید.

خروج زودهنگام از معامله

برخی معاله‌گران به محض اینکه شروع به معامله کنند، معامله خوبی را انجام می‌دهند. سپس قیمت در مسیری که آنها انتخاب کردند حرکت می‌کند. این بسیار خسته کننده است چون معامله‌گر موفق اجازه می‌دهد تا سود، خودش را به اهدافش برساند. قیمتها به صورت زیگ زاگ حرکت می‌کند.

بازگشتها قابل انتظار هستند. قیمت در تمام مدت صاف بالا یا پایین نمی‌رود.

برخی از معامله‌گران به محض اینکه ۵ پیپ، ۱۰ پیپ و غیره به دست می‌آورند از معامله خارج می‌شوند، اگر به معامله اجازه دهند تا به هدف مورد نظر خود برسد، مقدار زیادی پیپ به دست خواهند آورد.

برخی از معامله‌گران موفق روزانه، معامله‌ای را با حد ضرر و سفارش محدود برای کسب سود در یک سطح مشخص انجام می‌دهند و سپس آنها از چارت دور می‌شوند و تلویزیون تماشا می‌کنند یا برای پیاده روی می‌روند، بنابراین معامله، فرصتی برای توسعه بدون دخالت معامله‌گران دارد.

قضاوت

در نهایت، معامله‌گران قضاوت خوب و شهود را از تجربه خود توسعه خواهند داد. بنابراین تسلیم نشوید. معامله‌گری شما با زمان و پایداری بهبود خواهد یافت. بر روی قسمت های مختلف تمرین کنید، و حس درونی خوب، توانایی‌های شما را در طول زمان گسترش می‌دهد.

چک لیست

با استفاده از یک چک لیست یا طرح معاملاتی، یک ستاپ یا الگویی که باید مورد توجه قرار دهید را نادیده نخواهید گرفت. چک لیست معاملاتی شما نیز به شما اعتماد به نفس بیشتری می‌دهد.

کار کردن با هنر خود

شما باید عاشق پیدا کردن الگوها، کشف الگوها و تحقیقات باشید. بسیاری از معامله‌گران خوب اصل بازی یعنی معامله‌گری را دوست دارند. دریافت پول بابت آن یک پاداش است. برای معامله‌گران موفق، معامله‌گری سرگرمی است و قواعد آنها بدون نقص اجرا می‌شوند.

انضباط

یک معامله‌گر، زمانی که یک سیگنال ورودی در چارت ظاهر می‌شود باید ماشه معامله را بکشد و میزان حد ضرر را محاسبه کند. اگر سیگنالی وجود نداشته باشد، معامله‌گر نباید معامله انجام دهد. زمانی که شروع به معامله‌گری می‌کنید از روش خود منحرف نشوید. روش خود را بارها و بارها برای بهره‌برداری از یک سیستم معاملاتی سودآور استفاده کنید. تکرار، مهارت‌های شما را می‌سازد.

نظم و انضباط تعهد یک معامله‌گر برای پیروی از قوانین معاملاتی، رسیدگی به احساسات و پایبندی به قوانین مدیریت مالی را تعیین می‌کند. بازار فارکس به شما نظم و انضباط می‌دهد.

تعهد

یک معامله‌گر باید شور و شوق برای موفقیت در معامله را داشته باشد و از آن لذت ببرد. حاضر باشید هرکاری که برای رسیدن به هدفتان لازم است را انجام دهید. تعهد تضمین می‌کند که معامله‌گر می‌تواند چندین معامله ضررده را سپری کند و سپس معاملات سودآور خود را ادامه دهد. معامله‌گران موفق به شدت هدف گرا، منظم و جاه طلب هستند.

تمرکز

سعی کنید از قطع رابطه با دوستان و بستگان خود اجتناب کنید. سعی نکنید سیستم‌های بیشتر و روش‌های ورود را یاد بگیرید، باید به آنچه دارید پایبند باشید و تمرکز کنید. همه معامله‌گران تمایل طبیعی خود را برای خواستن بیشتر احساس می‌کنند و می‌خواهند به جستجو ادامه دهند. آنها پول را از دست می‌دهند و بر این باورند که اشتباهی مرتکب شده‌اند. این نوع تفکر بسیار اشتباه است. جستجو در اینترنت، خواندن بسیاری از کتاب‌ها، شک و تردید در مورد آنچه که انجام می‌دهید، همه نشانه‌های واضح و روشنی هستند که شما فاقد تمرکز هستید.

صبر

کسل نشوید و معاملات غیر ضروری انجام ندهید. منتظر ستاپهای معاملاتی مناسب باشید تا به راه خود ادامه دهید. ستاپهای تجاری را با دقت بیشتری معامله کنید.

ثبات

معامله‌گری را ساده نگه دارید و قوانین را رعایت کنید تا بتوانید به یک اساس کسب پول به صورت ثابت دست پیدا کنید. سود از هفته تا هفته دیگر متفاوت خواهد بود، و بله شما چند هفته یا چند ماه ممکن است ضرر دهید. سعی کنید در حاشیه بمانید تا اینکه به طور مداوم در بازار مشغول باشید. صبورانه منتظر ستاپهای معاملاتی باشید، معاملات را تنظیم کنید و بروید. با ثبات بودن، یعنی آوردن تمامی ویژگیهای یک معامله موفق در کنار یکدیگر و اجرای هر روز آن.

خلاصه

شما در حال حاضر تنها چند ساعت را صرف مطالعه‌ی این دوره‌ی معاملات رفتار قیمت کرده‌اید و مفاهیم مختلفی را که مطرح شد، در نظر گرفته‌اید. من طرز فکر معامله‌گری، تمام خرد و دانش خود را فاش کردم، تمام ابزارهای من، تمام روش‌های ورودی رفتار قیمت، و غیره را می‌دانید.

شما باید اصول پویایی قیمت، روندها، روش پیدا کردن روندها و روشی که ما الگوهای قیمت را در روندها و غیره انتخاب می‌کنیم، درک کنید.

بدون توجه به روش‌هایی که دوست دارید، من می‌خواهم چند مورد را انتخاب کنید و بر آن‌ها مسلط شوید. یک مبتدی می‌تواند با روشهای دنباله رویی از روند شروع کند، و از سیگنالهای رفتار قیمت برای ورود به معاملات روزانه یا از چارتهای روزانه، استفاده کند.

حالا که این اطلاعات را دارید، می‌خواهید با آنها چه کار کنید؟ اگر می‌خواهید مطالعه‌ی خود را ادامه دهید، این کار را انجام دهید، و اگر می‌خواهید با آنها معامله کنید، باید یک برنامه‌ی معامله‌گری درست کنید و آن را اجرایی سازید.

برنامه‌ی معامله‌گری شما، درباره میزان ریسک در هر معامله، پاداش به ریسک مورد نظر شما در هر معامله و البته حفظ نظم برای ورود به تنظیماتی که انتخاب می‌کنید، خواهد بود. چارتهای روزانه، مکان خوبی برای شروع به کار هستند.

بدیهی است که برخی از شما هنوز در مورد برخی موضوعات سردرگم خواهید بود، پس این دوره را به دقت بخوانید و به چارت خود نگاه کنید، همه چیز معنادار

خواهد شد، به شرطی که تنها تعداد کمی از ستاپهای معاملاتی که در آنها مهارت دارید را دنبال کنید. من شخصا روندها را دوست دارم، و همواره تمام زمان خود را صرف یافتن ستاپهای درون روندها، ورودی‌های پین‌بار و کندل درونی، می‌کنم.

بیش از ۱۰ استراتژی در این دوره به شما نشان داده شد، اگر آنها را بخوبی کنترل کنید برخی از آنها این قابلیت را دارند که شما را ثروتمند کرده، و برخی دیگر سرمایه شما را از بین ببرند. صادقانه بگویم، شما باید تعداد کمی از آنها را پیدا کنید، نه یک مورد و نه تمام آنها را، از آنهایی استفاده کنید که به خوبی با شخصیت شما وفق می‌یابند و متناسب با محدودیت‌های زمانی شما هستند.

اکنون زمان آن رسیده است که برنامه‌ی خود را تهیه کنید، در ادامه، اصول اولیه‌ی طرح معاملاتی خودم را برای شما بیان می‌کنم.

اصول اولیه طرح معاملاتی من

- من از کندلهای نیویورک استفاده می‌کنم. سایتهای *www.fxlite.com* یا *www.tradestation.com* این چارتها را ارائه می‌دهند.
- هر روز که از خواب بیدار می‌شوم، جفت ارزها را بررسی میکنم و هر سیگنال رفتار قیمتِ واضحی مثل کندل درونی، پین‌بار، یا یک ستاپ کاذب را شناسایی می‌کنم.
- اگر کندل درونی با یک روند پیدا کنم، به دنبال ادامه‌ی روند هستم، اما اگر مخالف روند میان مدت باشد، به یک شکست کاذب بالقوه که در حال ساخت است، توجه می‌کنم، به یاد داشته باشید، ستاپهای

کاذب در این نقطه (شکست کاذب) تایید نشده است، پس این یک ورودی معلق است. پس از یک پین‌بار روزانه، معمولا برای ورود به پین‌بار، برای ۳۸ تا ۵۵ درصد اصلاح صبر خواهم کرد. اگر بازار رونددار است، و این روند در حال حاضر قدرتمند و به سرعت در حال حرکت باشد، من به طور حتم، پین‌بار روزانه را معامله خواهم کرد.

- من از قبل، حمایت و مقاومت زیادی در چارتهای خود رسم کرده‌ام، اما در صورتی که همه چیز یک شبه تغییر کرده باشد، این خطوط را روی چارتها اصلاح خواهم کرد. یک حرکت در بازار، به وضوح حمایت و مقاومت نوسان کوتاه‌مدت کلیدی من را تغییر خواهد داد، بنابراین کاملا متوجه‌ی این سطوح هستم.
- من توجه خود را به روند کوتاه مدت فعلی در چارت میانگین متحرک نمایی ۸ و ۲۱ و همچنین میانگین متحرک نمایی۱۵۰ و ۳۶۵ یک ساعته معطوف می‌کنم.
- من همه چیز را در کنار هم قرار می‌دهم و در مورد ستاپهای معاملاتی که دوست دارم تصمیم می‌گیرم. من تصمیم می‌گیرم که آیا بازار بر روی خط روند به دنبال میانگین متحرک است، یا نزدیک به حمایت و مقاومت افقی کوتاه یا بلندمدت واضح و غیره؟ آیا هر سیگنال در نزدیکی حوزه‌های مربوطه رخ می‌دهد یا آنها همراه با روند وسیع‌تر شکل می‌گیرند؟
- اگر بازار پیش از این، رنج حرکت می‌کرد، آیا حرکت رونددار روزانه مشخصی وجود داشت که یک شبه مقاومت و حمایت کلیدی را بشکند؟ اگر وجود داشت، باید آن سطح را در چارت خود یادداشت کنم.

- اغلب ستاپهای کاذب با بازارهای رونددار، یا درست در کنار حمایت یا مقاومت، یا نقاط حساس اصلاحی، بهتر کار می‌کنند. بنابراین تنها در صورت مشاهده‌ی آن، وارد یک معامله می‌شوم.
- کندلهای درونی در صورتی معامله می‌شوند که به وضوح، با یک روند قدرتمند موجود شکل بگیرند، زمانی که شکست یک کندل درونی را معامله می‌کنم، به طور ایده‌آل به دنبال کندل درونی‌ای می‌گردم که کوچکترین کندل ۴ یا حتی ۷ روز گذشته باشد. ($۴nr$ و $۷nr$ روز). هرچه حمایت و یا مقاومت در آن نزدیکی کم تر باشد، الگوی کندل درونی پتانسیل بیشتری برای حرکت در جهت دلخواه ما دارد، اگر سطح نزدیکی وجود داشته باشد، شما ممکن است بخواهید قبل از ورود به کندل درونی، به انتظار شکست حمایت یا مقاومت بمانید.
- کندل‌های درونی روزانه بی‌اهمیت شمرده می‌شوند، زیرا آنها می‌توانند تبدیل به ستاپهای کاذب شوند.
- اگر یک روند قوی در چارت روزانه وجود داشته باشد، با یک اقدام سریع رفتار قیمت، به طور فعال به دنبال ورود به یک معامله در جهت روند، با استفاده از یک حرکت مخالف برای ورود به مناطق میانگین متحرک نمایی ۸ ،۲۱ یا ۵۰ روزه هستم. این امر در مورد چارتهای روند ۱ ساعته نیز صدق می‌کند.
- پین‌بار روزانه با یک کندل درونی بعد از اینکه قدرت یافت و فعال شد، معمولا اگر روند موافق باشد، یا اگر سیگنال، نزدیک یا در سطح افقی کلیدی واضح اتفاق بیفتد، معامله در هر زمانی انجام می‌شود.

توصیه هایی برای معاملات درون روز

- در زمانی که بازار به روشنی در یک طرف خط روند یا جهت شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ قرار دارد، با پین‌بار ۲۴۰ دقیقه‌ای معامله خواهم کرد.
- من پین‌بار ۲۴۰ دقیقه‌ای، ۲۴۰ دقیقه‌ای کاذب یا ۲۴۰ دقیقه درون کندل در جهت جریان آشکار را معامله خواهم کرد.
- در هنگام خرید میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ و ۳۶۵ ساعته، ما از سیگنال‌های ۱ ساعته و یا در ترکیب با چارتهای ۲۴۰ دقیقه‌ای وارد معامله می‌شویم.
- در چارت ۲۴۰ دقیقه‌ای و ۱ ساعته، به دنبال یک شکست کاذب از یک سطح نوسانی حمایت یا مقاومت (سقف‌ها و کف‌های اخیر) این مناطق هستم.
- در زمانی که بازار به وضوح در یک طرف خط روند یا در جهت شیب میانگین متحرک نمایی ۱۵۰ ساعته قرار دارد، من پین‌بار ۲۴۰ دقیقه‌ای و کندل درونی را معامله می‌کنم. (ما به طور واضح چارتها را برای قضاوت مناسب، ترکیب می‌کنیم).
- پین‌بارهای بزرگ ۱ ساعته، یا دسته‌های درون کندلی کاذب ۱ ساعته که در یک خط با حرکت روند قدرتمند شکل می‌گیرند، سیگنال‌های واضحی هستند! سقف‌ها و کف‌های جدید در یک روند، سرنخ‌های خوبی برای روندهای قدرتمند می‌باشند.

- شما ممکن است بخواهید از پین‌بار یا کندل درونی ۱ ساعته یا ۲۴۰ دقیقه‌ای، برای تصمیمات معاملاتی روزانه استفاده کنید. به خاطر داشته باشید که چارتها، هنگامی که با یکدیگر هم‌تراز می‌شوند، بهتر کار می‌کنند. ستاپهای پین‌بار در چارت روزانه اغلب، از طریق سیگنال‌های درون‌روز، یا همان روز یا روز بعد نیز تایید می‌شوند.

فکر نهایی من

بدون توجه به جایگذاری دستور حدضرر و حدسود، اگر شما یاد بگیرید که تنها چند استراتژی رفتار قیمت را مدیریت کنید و این شرایط اولیه را در چارت خود داشته باشید، در مسیر خوبی قرار گرفته‌اید.

سیستم معاملاتی سودآور شما، رفتار قیمت است، یاد بگیرید چارتها را بخوانید و برای سطوح کلیدی، پین‌بارها، کندل‌های درونی و شکستهای کاذب، آنها را جستجو کنید.

در طول زمان شما با استفاده از مدیریت پول، سطوح سود و ضرر، به یک معامله‌گر خوب تبدیل خواهید شد. نمی‌توانم آن سطوح را به شما بدهم، زیرا همیشه بازار در حال تغییر است. من سیگنال‌هایی را که برای من کار می‌کنند را به شما داده‌ام، حالا باید یاد بگیرید به دنبال سیستم‌هایی بگردید که با آنها راحت‌تر هستید و معامله‌گری خود را مدیریت کنید.

دوباره می گویم، هیچ سیستم یا روش دقیقی برای ورود و خروج وجود ندارد. تنها بخش سیستماتیک معامله‌گری من، ستاپهای ورودی رفتار قیمت است، زمانی که شرایط ورود را مشاهده می‌کنم، به دنبال مکانی منطقی برای حد ضرر و حد سود

می‌گردم، و اگر یک نسبت پاداش به ریسک بین ۲/۵ تا ۱ یا بیشتر اعمال کنم، سود حساب من همواره از خودش مراقبت خواهد کرد.

به یاد داشته باشید، بازارها می‌توانند تنها با *xyz* درصد در هفته حرکت کنند، بنابراین اگر حدضرر شما گسترده باشد، حد سود شما نیز گسترده‌تر خواهد بود و شما در یک افق زمانی از چند روز تا چند هفته قرار خواهید گرفت.

صبور باشید و زمانی که یک ستاپ معاملاتی فعال است، آن را دست‌کاری نکنید.

محتوای این دوره، یک کار درحال توسعه است و شما ۱۰ برابر مقدار پولی که برای آن پرداخت کرده اید را دریافت خواهید کرد.

جمع‌بندی کامل یک دوره، زمان‌بر خواهد بود و من نیز در حال یادگیری توضیح مسائل گوناگون هستم، پس لطفا صبور باشید.